



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

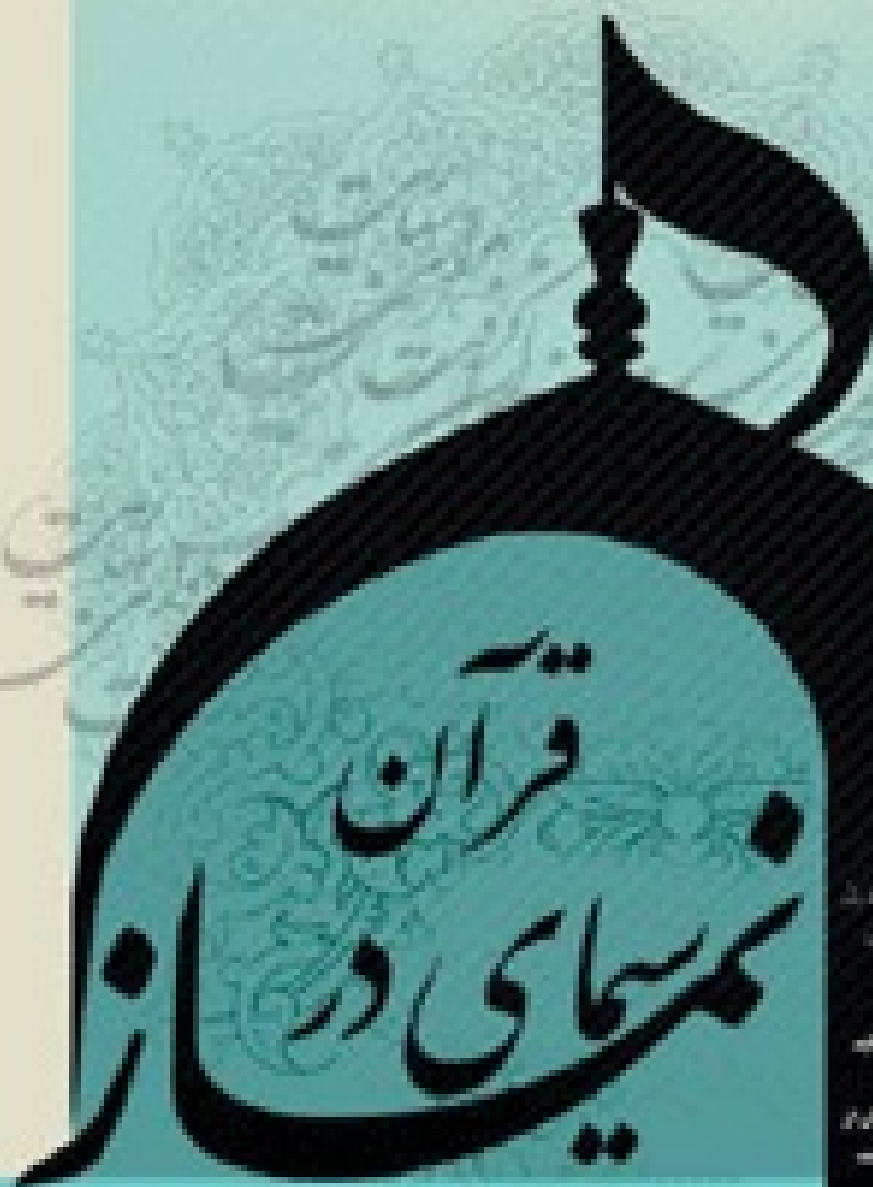
گامی



اربعین
علیه السلام

WWW. **Ghaemiyeh** .com
WWW. **Ghaemiyeh** .org
WWW. **Ghaemiyeh** .net
WWW. **Ghaemiyeh** .ir

مرغوب



این روزگار که بی‌قراری است و بی‌آرامی است
و این دنیای که بی‌هدف است و بی‌معنی است
و این زندگی که بی‌حس است و بی‌روح است
و این مردم که بی‌ایمانند و بی‌ایستادند
و این اوضاع که بی‌عدالتی است و بی‌انصاف است
و این روزگار که بی‌امید است و بی‌آرزو است
و این دنیای که بی‌حقیقت است و بی‌واقعیت است
و این زندگی که بی‌عزت است و بی‌کرامت است
و این مردم که بی‌ایمانند و بی‌ایستادند
و این اوضاع که بی‌عدالتی است و بی‌انصاف است
و این روزگار که بی‌امید است و بی‌آرزو است
و این دنیای که بی‌حقیقت است و بی‌واقعیت است
و این زندگی که بی‌عزت است و بی‌کرامت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای نماز در قرآن

نویسنده:

محسن خندان

ناشر چاپی:

شاه چراغ علیه السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
سیمای نماز در قرآن	۶
مشخصات کتاب	۶
اشاره	۷
فهرست کتاب	۹
مقدمه	۱۱
واژه شناسی صلاه و نماز	۱۴
ستایش خداوند فریضه ای برای کل موجودات	۱۸
منظور از اقامه نماز چیست؟	۲۲
اقامه نماز و شکر عملی	۲۴
نماز، ذکر و یاد الهی	۲۵
نماز منظم ترین ذکر الهی	۲۸
نماز بالاترین واجب عملی	۳۰
بیم و امید (خوف و رجاء)	۳۱
روح نماز	۳۵
نماز اول وقت	۴۱
صبر و نماز دو بازوی قدرتمند در برابر مشکلات	۵۱
نماز در مساجد	۵۵
اقامه نماز اولین وظیفه حکومت اسلامی	۶۹
نماز و خانواده	۷۱
سیمای نماز در برخی دیگر از آیات قرآن	۹۲
سخن پایانی	۱۰۹
مراجع	۱۱۱
درباره مرکز	۱۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

سیمای نماز در قرآن

محسن خندان - هادی انصاف

هلدینگ ذریال به مدیر عاملی جناب مهندس محسن خندان

سرشناسه: خندان، محسن، 1364 -

عنوان و نام پدیدآور: سیمای نماز در قرآن/ محسن خندان، هادی انصاف.

مشخصات نشر: شیراز: انتشارات شاه چراغ(ع)، 1402.

مشخصات ظاهری: 118 ص.

شابک: 0-032-359-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. 106.

موضوع: نماز -- جنبه های قرآنی Salat -- Qur'anic teaching

شناسه افزوده: انصاف، هادی، 1359-

رده بندی کنگره: BP104

رده بندی دیویی: 297/159

شماره کتابشناسی ملی: 9403553

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

ص: 1

اشاره

مقدمه. 5

واژه شناسی صلاة و نماز. 8

ستایش خداوند فریضه ای برای کل موجودات... 12

منظور از اقامه نماز چیست؟. 16

اقامه نماز و شکر عملی.. 18

نماز، ذکر و یاد الهی.. 19

نماز منظم ترین ذکر الهی.. 22

نماز بالاترین واجب عملی.. 24

بیم و امید (خوف و رجاء). 25

روح نماز. 29

نماز اول وقت... 35

صبر و نماز دو بازوی قدرتمند در برابر مشکلات... 45

نماز در مساجد. 49

اقامه نماز اولین وظیفه حکومت اسلامی.. 63

نماز و خانواده 65

سیمای نماز در برخی دیگر از آیات قرآن.. 86

سخن پایانی.. 103

مراجع.. 105

ص: 3

قبل از پرداختن به مطالب، این نکته را خدمت خوانندگان عزیز عرض نمائیم که مقدمه این کتاب به گونه ای انتخاب و چیدمان شده است که علاوه بر بیان یک مجموعه مطالب مقدماتی در مورد نماز، کتاب های ارزشمندی نیز در قسمت مراجع این کتاب به خواننده معرفی شود به طوری که بتواند به صورت رایگان در نرم افزار کتاب خوان قائمیه مطالعه نماید.

مهمترین موضوع دین مبین اسلام بعد از ایمان به خداوند، اقامه نماز است. [1]

این موضوع آنقدر مهم است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیثی نورانی فرمودند:

«مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ»

«هر کس به عمد نماز را ترک کند، از مرز اسلام خارج شده و به کفر رسیده است.» [2]

نماز، تنها عبادتی است که در هیچ حال از انسان ساقط نمی شود حتی در میدان جنگ و در شرایط اضطرار، بیماری و... [3]

نماز موقعیتی است که باید در آن به خدا توجه داشت نه دیگری، و هر چه را از نظر دور داشت مگر خدا را. باید خدای را زنده و حاضر و ناظر بدانیم و احساس حضور در برابر آن خالق عظیم را در خویش، زنده نگهداریم. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «همین که انسان در نماز به غیر خدا توجه می کند، خداوند به او خطاب می کند: به چه کسی توجه می کنی؟ آیا پروردگاری جز من سراغ داری؟ آیا جز من، مراقب و ناظری در کار است؟ آیا به بخشنده ای جز من دل بسته ای...؟»

اگر توجه به من داشته باشی من و فرشتگانم به تو توجه خواهیم کرد و...» [4]

حضرت علی (علیه السلام) بارها در نهج البلاغه از نماز و یاد خدا سخن به میان آورده که در کتابی به نام «نماز در نهج البلاغه» گردآوری شده است. [5]

افراد با تقوایی که وجودشان با نور الهی روشن شده، با هر نماز یک گام به جلو می روند، زیرا نماز تکرار نیست بلکه معراج است. پله های یک نرده بان همه مثل هم است، اما هر پله یک قدم انسان را رو به بالا می برد. چنانکه کسی که چاه حفر می کند، در ظاهر کاری تکراری می کند و همواره کلنگ می زند اما در واقع با هر کلنگی که می زند به عمق بیشتری می رسد. رکعات نماز در ظاهر تکراری اند، اما در واقع پله های بالا رفتن از نردبان کمال و عمق دادن به معرفت و ایمان اند. [6]

نماز در میان عبادات جایگاه بسیار ویژه ای دارد. در آیه 162 سوره نساء، خداوند برای دانشمندان واقعی، سه ویژگی نماز، زکات و ایمان به خدا را مطرح می کند، اما هنگام نام بردن از این عناوین، عنوان نمازگزار را در قالب مخصوص بیان می کند و می فرماید:

«وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...»

«المقیمین الصَّلَاةَ»

«المؤتُونَ الزَّكَاةَ»

«الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»

اگر به این چهار کلمه نگاه کنید، می بینید بیان نماز تفاوت دارد، باید بگویید: «والمقیمون» تا با «راسخون» و «مؤمنون» همسان باشد، ولی «مقیمین» گفته یعنی قصد مخصوص برای نماز دارم. همچنین حضرت ابراهیم (علیه السلام) در آیه 162 سوره انعام می گوید: «أَنَّ صَلَاتِي وَ

نُسکی» با این که کلمه «نُسک» به معنای عبادت است و شامل نماز هم می شود ولی نام نماز را مخصوصاً جداگانه می برد تا اهمیتش را برساند. [7]

با تدبیر در این آیه پی می بریم که مرگ بر حیات احاطه دارد و حیات بر نُسک و نُسک بر نماز. بنابراین نماز، هسته مرکزی در درون عبادت است. [8]

نماز نشانه صداقت است کسی که دیگری را دوست دارد، سخن گفتن با او را هم دوست دارد آن ها که با زبان مدعی خدا خواهی و خدا دوستی اند، ولی نماز نمی خوانند، در ادعای خود صداقت ندارند. نماز ملاک و میزان تعهدی است که انسان در اظهارات خود دارد. به همین دلیل نماز منافق همچون سایر اعمالش همراه با صداقت نیست. [9]

نماز بهترین اعمال بعد از معرفت است. در حدیثی نورانی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت فرمودند: بعد از شناخت خداوند، هیچ طاعتی را با ارج تر و پربهاتر از نماز نمی شناسم. آیا نشنیده ای که بنده صالح خدا، عیسی بن مریم (علیهما السلام) گفته است: «و خداوند مرا به ادای نماز سفارش کرد.» [10]

امیرالمؤمنین در حدیثی نورانی فرمودند: گفتارهایتان را محافظت کنید؛ نسبت به مسأله نماز احساس مسئولیت کنید و به آن به خدا نزدیک شوید؛ زیرا نماز به مؤمنان واجب شده است. مگر نشنیده ای وقتی که از اهل جهنم می پرسند: «شما را چرا به جهنم داخل نمودند؟ در پاسخ می گویند: که ما از نمازگزاران نبودیم.» [11]

اولین فرمان به دنبال آفرینش انسان، فرمان سجده بود، اولین نقطه زمین (مکه و کعبه) که از زیر آب بیرون آمد و خشکی شد مکان عبادت

بود و اولین کار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از هجرت به مدینه ساختن مسجد بود. [12]

در روایات آمده است که در خانه، جایی را برای نماز قرار دهید. شاید بتوان گفت نظر اسلام این است که نگاه به آن مکان، انسان را به یاد نماز می اندازد و اگر به خاطر تنگی مکان نمی توان محلی را برای نماز اختصاص داد، دست کم با نصب علامت قبله یا آیه ای که نشانه نماز باشد، یا گذاشتن سجاده، ساکنین به یاد نماز بیفتند. از جمله سفارش هایی که بزرگ خانواده باید آشکارا به اهل خانه انجام دهد، دعوت به نماز است و از این سفارش خسته نشود. [13]

واژه شناسی صلاة و نماز

نماز واژه ای است که در زبان پهلوی، درست به همین صورت امروزی آن، به معنای احترام، تعظیم و ستایش وجود داشته است. اصل آن نیز در زبان اوستایی از ریشه «نَمَه» به معنای میل و گرایش، کرنش، خم شدن، درود و ستایش است و نخستین فراز از بخش گاهان اوستا که تاریخ سَـرَـايش آن به سه هزار سال پیش برمی گردد، با این عبارت شروع می شود: «اینک در آغاز با دست هایی برافراشته، تو را نماز می گزارم.» همچنین در زبان سنسکریت، واژه «نَمَس» به معنای «خم شدن»، «اطاعت کردن»، «ستایش کردن» و «تهنیت همراه با احترام زیاد نسبت به خدایان» است. وجود واژه نماز هم در اوستا و هم در متون مقدس هندی، مانند رامایانه، گواه آن است که اولاً، این واژه متعلق به اقوام آریایی بوده و قدمت بسیاری دارد و ثانیاً، اصطلاح نماز خطاب به خداوند و به منظور تکریم و پرستش به کار می رفته است. [14]

صلاة مصدر است و بر وزن فَعَلَه می باشد این واژه از ماده «صلو» یا «صلی» گرفته شده است. اگر از ماده «صلو» باشد می تواند به معنای دعا باشد. اهل لغت می گویند قبل از اسلام واژه «صلاة» در معنای دعا به کار می رفت؛ اما بعد، این معنا به عملی مخصوص تعلق یافت که با تکبیرة الاحرام آغاز و با تسلیم در برابر خداوند پایان می پذیرد. گفته شده نماز را به علت دعاهایی که در آن وجود دارد «صلوة» نامیده اند.

اگر واژه «صلاة» از ماده «صلی» باشد، به معنای نرم شدن است. بنابر این چون نماز مشتمل بر کمک خواهی از خداست آن را «صلاة» نامیده اند. [15، 16]

نماز در فارسی امروز، ترجمه واژه «صلاة» در قرآن کریم است. اصل واژه «صلاة» از زبان آرامی به معنای رکوع و خم شدن وارد زبان عبری شده و در این زبان، به معنای صلات آمده است؛ برای مثال، در کتاب دانیال (باب 6، آیه 11) آمده است: «دانیال پنجره های بالا خانه خود را به سمت اورشلیم باز نموده، هر روز سه مرتبه زانو می زد و دعا می نمود و چنان که قبل از آن عادت داشت، نزد خدای خویش دعا می کرد و تسبیح می خواند.» به گواهی لغتنامه عبری، در اینجا آنچه به «دعا» ترجمه شده، واژه صلات است و نشان می دهد آنچه دانیال نبی (علیه السلام) انجام می داده، نمازهای سه گانه روز بوده است. پس از مدتی واژه «صلات» از زبان عبری وارد زبان عربی شد. یهودیان واژه «صلوته» را به صورت های مختلف استفاده می کردند که یکی از آنها به معنای صلات یا کنیسات. قرآن کریم نیز در آیه 40 سوره حج، واژه صلوات را به معنای «کنیساتهای یهود» گرفته است که منظور محل نماز و صلات آنان بوده است. [17]

واژه «صلاة» و دیگر مشتقات آن نظیر (صَلَّ - يُصَلُّونَ - صَلَّات - مُصَلِّينَ - مُصَلِّي)، بیش از 99 بار در آیات قرآن به کار رفته است و اگر واژه هایی مثل (تَصَلَّى - إِصْلَوْهَا - نُصَلِّهِ - صَلَّوْا - صَلَّيَاً - صَلَّوْهُ - أَصْلِيهِ - تَصَلِّيهِ - صَلِّ - تَصَطَّلُونَ) نیز از مشتقات واژه «صلاة» در نظر گرفته شود، تعداد آن ها در قرآن کریم به بیش از 124 بار می رسد. [18]

تمام موجودات «صلاة» دارند. از طرفی طبق آیه 78 سوره اسراء، قرآن خواندن نیز خود نوعی «صلاة» است. حتی تفکر در امور خداوند و مناجات با او هم نوعی «صلاة» است. به همین دلیل برخی واژه «صلاة» را به معنای نیایش توأم با ستایش و دعا و دعوت همراه با جلب معبود معنی کرده اند و نه حرکات و الفاظی در قالب فقهی. اما اگر آیات قرآن را به دقت بررسی کنیم متوجه می شویم که منظور از صلاة در قرآن کریم به معنای یک وظیفه شرعی، همین نمازهای پنج گانه است که شکل و فرم آن را رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) دقیقاً مشخص کرده است. به عنوان نمونه با تدبر در آیه 102 سوره نساء متوجه می شویم که «صلاة» به معنای شرعی آن، شکل و فرم خاص و منظمی دارد و همین نمازی است که مسلمانان در هر شبانه روز می خوانند. همچنین آیات 238 سوره بقره، 43، 101، 103 و 142 سوره نساء و 55 سوره مائده نیز نشان می دهد تعبیر «صلاة» به دعا اشتباه می باشد.

سوالی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که چرا شکل و فرم هر نماز دقیقاً در قرآن ذکر نشده است؟ پاسخ ما آیه زیر از قرآن کریم است:

«وَمَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» [19]

«ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می آورند.» [20]

از این آیه به روشنی استفاده می شود که اولاً قرآن کریم به تنهایی کافی نیست و نیاز به کسی دارد که آیات آن را توضیح دهد؛ ثانیاً هر کسی صلاحیت ایفای این وظیفه مهم را ندارد. طبق این آیه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه تفسیر آیات الهی را دارد و در بیان و تفسیر آیات قرآن، اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) نیز به او ملحق می شوند و این معنا، از حدیث متواتر ثقلین و سایر احادیثی که رسیده است، اثبات می شود. [21]

شبهه به این آیه در آیه 44 سوره نحل نیز ذکر شده است.

در قرآن کریم بارها و بارها در کنار عبارت «أَطِيعُوا اللَّهَ» بلافاصله عبارت «وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» یا «وَالرَّسُولَ» ذکر شده است و این یعنی بیان جزئیات دین مبین اسلام از جمله نماز بر عهده رسول خداوند (صلی الله علیه و آله) است و ما ملزم به رعایت کامل دستورات ایشان هستیم.

از طرفی با بررسی آیات قرآن کریم در می یابیم که میان واژه «صلاة» با واژگانی چون رکوع، سجود، قیام و قنوت رابطه جزء واژگی برقرار است و به همین سبب گاهی از این واژه در قرآن برای اشاره به «صلاة»، استفاده شده است و این یعنی سجده و رکوع از اجزای اصلی نماز به شمار می روند. روح نماز خضوع و خشوع در مقابل خداست که در همین

افعال تجلی می یابد؛ از این رو در برخی آیات قرآن - از باب ذکر جزء و اراده کل - مشتقات این واژها برای اشاره به صلاة به کار رفته اند. [22]

همان طور که گفته شد در قرآن حکیم بارها عبارت «أَطِيعُوا الرَّسُولَ» بلافاصله بعد از عبارت «أَطِيعُوا اللَّهَ» آمده است [به عنوان نمونه به آیات 32 و 132 آل عمران، 89 نساء، 92 مائده، 1 و 20 و 46 انفال، 54 نور، 33 محمد (ص) و 13 مجادله مراجعه شود] ولی در یک مورد که خداوند دستور به اقامه نماز و پرداخت زکات می دهد فقط عبارت «أَطِيعُوا الرَّسُولَ» ذکر شده است:

«وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» [23]

«و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید و رسول (خدا) را اطاعت کنید تا مشمول رحمت (او) شوید.» [20]

و این به این مفهوم است که این رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) است که دقیقاً مشخص می کند مسلمانان نماز را با چه کیفیت و کمیت و در چه اوقاتی اقامه نمایند و زکات خود را که طبق روایات شرط اساسی قبول نماز است چگونه و در چه اموری مصرف نمایند.

ستایش خداوند فریضه ای برای کل موجودات

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» [24]

«آیا ندیدی تمام آنان که در آسمان ها و زمینند برای خدا تسبیح می کنند و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده اند؟! هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می داند؛ و خداوند به آنچه انجام می دهند داناست.» [20]

وقتی نماز فرضیه ای بر همه موجودات است پس به طور قطع در همه ادیان الهی نیز بوده است. قبل از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در آئین حضرت عیسی (علیه السلام) هم نماز بوده که قرآن از زبان او نقل می کند که خداوند مرا به نماز سفارش کرده است (آیه 31 سوره مریم (سلام الله علیها)) و قبل از او موسی (علیه السلام) بوده که خداوند به او خطاب می کند: «و نماز را برای یاد من به پا دار» (آیه 14 سوره طه) و قبل از موسی پدر زن او حضرت شعیب (علیه السلام) بوده که نماز داشته است (آیه 87 سوره هود (علیه السلام)) و قبل از همه آن ها ابراهیم (علیه السلام) بوده که از خداوند برای خود و ذریّه اش توفیق اقامه نماز را می خواهد (آیه 40 سوره ابراهیم (علیه السلام)) و این لقمان است که به فرزندش می گوید: «پسر من، نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن». جالب آن است که معمولاً در کنار نماز سفارش زکات می شود ولی از آنجا که نوجوان معمولاً پول ندارد، در این آیه در کنار نماز به جای زکات به امر به معروف و نهی از منکر سفارش شده است (آیه 17 سوره لقمان). [25]

آیات مختلف قرآن، سخن از چهار عبادت در مورد همه موجودات این جهان بزرگ می گوید: تسبیح، حمد، سجده و نماز، در آیه مورد بحث سخن از نماز و تسبیح بود. در آیه 15 سوره رعد سخن از سجود عمومی است و در آیه 44 سوره اسراء سخن از تسبیح و حمد تمامی موجودات عالم هستی است. درباره حقیقت حمد و تسبیح عمومی موجودات جهان و تفسیرهای گوناگونی که در این زمینه شده است به اختصار به دو تفسیر قابل توجه می پردازیم: 1) تمامی ذرات این عالم اعم از آنچه آن را عاقل می شماریم یا بی جان یا غیر عاقل، همه دارای نوعی درک و شعورند، و در عالم خود، تسبیح و حمد خدا می گویند، هر

چند ما قادر به درک آن نیستیم، شواهدی از آیات قرآن نیز برای این تفسیر اقامه شده است. 2) منظور از تسبیح و حمد، همان چیزی است که ما آن را زبان حال می نامیم، یعنی مجموعه نظام جهان هستی و اسرار شگفت انگیزی که در هر یک از موجودات این عالم نهفته است با زبان بی زبانی، با صراحت و به طور آشکار از قدرت و عظمت خالق خود و علم و حکمت بی انتهای او سخن می گویند چرا که هر موجود بدیع و هر اثر شگفت انگیزی، حتی یک تابلو نفیس نقاشی یا یک قطعه شعر زیبا و نغز، حمد و تسبیح ابداع کننده خود می گوید، یعنی از یک سو، صفات برجسته او را بیان می دارد (حمد) و از سوی دیگر، عیب و نقص را از او نفی می کند (تسبیح) تا چه رسد به این جهان با عظمت و آن همه عجائب و شگفتی های بی پایانش. البته اگر جمله «يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» به معنی تسبیح گفتن کسانی که در آسمان ها و زمین هستند بگیریم و ظاهر کلمه «مَنْ» را در ذوی العقول حفظ کنیم، تسبیح در اینجا به معنی اول خواهد بود که یک تسبیح آگاهانه و اختیاری است ولی لازمه این سخن آن است که برای پرندگان نیز چنین شعوری قائل باشیم؛ زیرا پرندگان در آیه فوق در کنار «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» قرار گرفته است، البته این موضوع عجیب نیست؛ زیرا در بعضی دیگر از آیات قرآن چنین درکی برای بعضی از پرندگان آمده است. (به عنوان مثال به آیه 38 سوره انعام در تفسیر نمونه، جلد 5، ص 221 مراجعه نمائید) حال به تعبیر واژه «صلاة» در آیه مورد بحث می پردازیم. جمعی از مفسران ضَمِير عَلِمَ در جمله «كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ» را به كُلِّ برگردانده اند که طبق آن مفهوم جمله فوق چنین می شود: هر یک از

کسانی که در زمین و آسمان هستند و همچنین پرندگان از کیفیت و راه و رسم نماز و تسبیح خود آگاهند.

ولی بعضی دیگر آن را به خدا بازگردانده اند، یعنی خداوند از نماز و تسبیح هر یک از آنان آگاه است اما تفسیر اول با معنی آیه مناسب تر می باشد. به این ترتیب، هر یک از تسبیح کنندگان راه و رسم و تسبیح و شرائط و ویژگی های نماز خود را می دانند. اگر منظور تسبیح آگاهانه باشد مفهوم این سخن روشن است اما اگر با زبان حال باشد مفهومش این است که هر کدام نظام ویژه ای دارند که به نوعی گویای عظمت پروردگار است و هر کدام چهره ای از قدرت و حکمت اویند، جمعی از مفسران مانند مرحوم طبرسی در مجمع البیان و آلوسی در روح البیان صلاة را در اینجا به معنی دعا تفسیر کرده اند که مفهوم اصلی آن در لغت همین است و به این ترتیب، موجودات زمین و آسمان با زبان حال، یا زبان قال، در پیشگاه خدا دعا می کنند، و از محضر او تقاضای فیض دارند و او هم که فیاض مطلق است بر حسب استعدادهایشان به آن ها می بخشد و دریغ ندارد منتهی هر کدام در عالم خود می دانند چه نیازی دارند و چه باید بخواهند و چه دعائی کنند. به علاوه، آنها در پیشگاه با عظمت او خاضعند و در برابر قوانین آفرینش تسلیم، و از سوی دیگر، با تمام وجود صفات کمالیه خدا را بازگو می کنند و هر گونه نقصی را از او نفی می نمایند، و به این ترتیب، عبادات چهار گانه آن ها حمد، تسبیح، دعا و سجود تکمیل می شود. [26]

کوتاه سخن آنکه از این آیات به دست می آید که علم و شعور، مخصوص انسان ها نیست. گرچه بعضی مفسران تسبیح موجودات هستی را تسبیح تکوینی و زبان حال آفرینش دانسته اند، ولی ظاهر آیات بر خلاف این مطالب است. خداوند، در آیه مورد بحث چند مرتبه به صورت

غیر مستقیم، به انسان هشدار داده است: الف) موجودات آسمان و زمین و پرندگان در حال تسبیح هستند. چرا انسان غافل است؟! ب) تسبیح موجودات، آگاهانه است. چرا انسان در نماز حضور قلب ندارد؟! ج) پرندگان، هنگام پرواز در آسمان، در حال تسبیح و نمازند، اما برخی انسان ها هنگام پرواز در آسمان، در حال غفلت و مستی به سر می برند! در روایات می خوانیم: امام صادق (علیه السلام) هنگامی که صدای گنجشکی را شنید فرمود: «این پرنده مشغول دعا و تسبیح است.» [27]

منظور از اقامه نماز چیست؟

در قرآن برای نماز از کلمات «اقم، اقیموا، یقیمون و...» استفاده شده است.

«وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» [28]

«و نماز را به پا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید).» [20]

این آیه اشاره به مسأله نماز جماعت است، ولی از میان تمام افعال نماز تنها رکوع را بیان کرده و می گوید: با رکوع کنندگان رکوع کنید. این تعبیر، شاید به خاطر آن باشد که نماز یهود مطلقاً دارای رکوع نبود، این نماز مسلمانان است که یکی از ارکان اصلی آن رکوع محسوب می شود. جالب این که نمی گوید نماز بخوانید، بلکه می گوید: «أَقِمْوَا الصَّلَاةَ» نماز را به پا دارید یعنی تنها خودتان نماز خوان نباشید بلکه چنان کنید که آئین نماز در جامعه انسانی بر پا شود، و مردم با عشق و علاقه به سوی آن بیایند. بعضی از مفسران گفته اند: تعبیر به اقیموا اشاره به این است که نماز شما تنها اذکار و اوراد نباشد، بلکه آن را به

طور کامل با پا دارید که مهم ترین رکن آن توجه قلبی و حضور دل در پیشگاه خدا و تأثیر نماز در روح و جان آدمی است. در حقیقت در این سه دستور در آیه مورد بحث، نخست پیوند فرد با خالق (نماز) بیان شده و سپس پیوند با مخلوق (زکات) و سرانجام پیوند دسته جمعی همه مردم با هم در راه خدا! [29]

شاید بتوان گفت: اصل فرمان نماز، با جماعت است. اساس دین بر حضور در اجتماع و دوری از انزوا و گوشه نشینی است. [30]

طبق آیه 45 سوره عنکبوت، زمانی می توان گفت نماز اقامه شده که آن نماز انسان را از فحشا و منکر باز دارد و باعث شود یاد خداوند متعال همواره در دل زنده بماند و گرنه باید گفت افرادی که نماز می خوانند ولی گناه هم می کنند نماز را به طور کامل اقامه نمی کنند.

تمام پاداش های بی نظیری که خداوند تبارک برای نماز بیان کرده است در حقیقت مشمول کسانی می شوند که نماز را اقامه کرده باشند.

در اینجا این حدیث نورانی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که فرمودند:

«وَاللَّهُ وَاللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ»

«خدا را خدا را درباره نماز، چرا که ستون دین شما است.» [31]

نمود پیدا می کند زیرا ستون را نمی خوانند بلکه آن را بر پا می کنند.

البته خود نماز حتی قرائت آن به مرور به زندگی انسان رنگ و بوی الهی می دهد و امید بسیار می رود که انسان را عاقبت بخیر کند.

ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچ گونه اثری در او نبخشد، هر چند نمازش صوری باشد، هر چند آلوده گناه باشد، البته این گونه نماز، تأثیرش کم است، این گونه افراد اگر همان نماز را نمی خواندند، از این

هم آلوده تر بودند. در احادیث متعددی، می خوانیم: افراد گناهکاری بودند که وقتی شرح حال آن ها را برای پیشوایان اسلام بیان می کردند، می فرمودند: غم مخورید، نماز آن ها را اصلاح می کند و کرد. [32]

در روایات نقل شده است که جوانی از انصار اهل گناهان زشتی بود ولی نمازهای خود را می خواند. وقتی شرح حال او را خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عرضه داشتند، ایشان فرمودند:

«إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا مَا»

«سرانجام روزی نمازش او را از این اعمال پاک می کند.» [33]

در پاسخ به این سوال که قرآن می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» «یقیناً نماز از کارهای زشت و کارهای ناپسند باز می دارد.» ولی هستند افرادی که نمازگزارند ولی گناه هم می کنند باید گفت نماز اشخاص مختلف با هم فرق دارد و درجه و مرتبه اقامه نماز در آنها متفاوت است. هر چقدر کیفیت اقامه نماز بهتر باشد بازدارندگی آن نیز بیشتر است ولی به طور کلی بزرگان دین می گویند: هر نمازی هر چه هم کوتاه و به اصطلاح کم اهمیت باشد، باز هم به همان سهم خودش انسان را از گناه باز می دارد. لافل این آدم نمازگزار در حال نماز دهان و لباسش نجس نیست و ناچار است برای پاک نگهداشتن خود، از نجاسات لافل پرهیز کند و تا چه رسد که انسان آن حالت معنویت را پیدا کند و به جایی برسد که در نماز غیر خدا را متوجه نشود. [34]

اقامه نماز و شکر عملی

یکی از اسرار نماز، تشکر از ولی نعمت است، قرآن می فرماید: «عبادت کنید پروردگاری را که شما و نیاکان شما را آفرید، هستی شما

و همه از اوست. در سورة کوثر می خوانیم «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ» ما به تو «کوثر» دادیم، خیر زیاد عطا کردیم پس نماز بخوان. یعنی به شکرانه عطایای ما نماز به پا دار. نماز بهترین نوع شکرگزاری است که شیوة آن را خداوند بیان فرموده و تمام انبیا و اولیا هم آن شیوه را به کار بسته اند. نماز تشکری است عملی، زبانی، دائمی و سازنده. [35]

مهمترین مرتبه شکر الهی زمانی است که شُکر به صورت عملی انجام شود، در آیه 13 سوره سبأ آمده است که:

«... اَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ»

«... ای آل داود شکر (این همه نعمت را) بجا آورید ولی عده کمی از بندگان من شکرگزارند.» [20]

قُلّه شکر الهی با ابزار نماز زمانی است که نماز به طور کامل اقامه بشود و تأثیر عملی آن در زندگی نمود پیدا کند و بالاترین درجه ذکر و یاد الهی که ترک مُحَرّمات است را نصیب انسان بگرداند.

نماز، ذکر و یاد الهی

«إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» [36]

«من الله هستم؛ معبودی جز من نیست؛ مرا پرست، و نماز را برای یاد من به پادار.» [20]

انسانی که به نماز می ایستد، تکبیر، می گوید، خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می شمرد، به یاد نعمت های او می افتد، حمد و سپاس او می گوید، او را به رحمانیت و رحیمیت می ستاید، به یاد روز جزای او می افتد، اعتراف به بندگی او می کند، از او یاری می جوید، صراط مستقیم از او می طلبد راه کسانی که به آن ها نعمت داده شده، غضب بر

آن‌ها نشده و گمراه نگشته اند (مضمون سوره حمد). بدون شک در قلب و روح چنین انسانی، جنبش به سوی حق، و حرکتی به سوی پاکی، و جهشی به سوی تقوا پیدا می‌شود. برای خدا کار می‌کند و در پیشگاه او پیشانی بر خاک می‌نهد، غرق در عظمت او می‌شود، و خودخواهی‌ها و خود برتر بینی‌ها را فراموش می‌کند. شهادت به یگانگی او و گواهی به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌دهد. بر پیامبرش درود می‌فرستد، و دست به درگاه خدای بر می‌دارد که در زمره بندگان صالح او قرار گیرد (تشهد و سلام). این عمل، چند بار در شبانه روز، تکرار می‌گردد، هنگامی که صبح از خواب بر می‌خیزد، در یاد او غرق می‌شود. در وسط روز، هنگامی که غرق زندگی مادی شده است، ناگهان صدای مؤذن را می‌شنود، برنامه خود را قطع کرده، به درگاه او می‌شتابد، و حتی در پایان روز و آغاز شب، پیش از آن که به بستر استراحت برود، با او راز و نیاز می‌کند و دل را مرکز انوار او می‌سازد. از آثار و برکات مهم نماز، که حتی از نهی فحشاء و منکر مهمتر است، آن است که انسان را به یاد خدا می‌اندازد که ریشه و مایه اصلی هر خیر و سعادت است، و حتی عامل اصلی نهی از فحشاء و منکر نیز، همین ذکر الله می‌باشد، در واقع برتری آن، به خاطر آن است که علت و ریشه محسوب می‌شود. اصولاً، روح همه عبادات - چه نماز و چه غیر آن - ذکر خدا است، اقوال نماز، افعال نماز، مقدمات نماز، تعقیبات نماز، همه و همه، در واقع، یاد خدا را در دل انسان زنده می‌کند. تکرار این عمل، در شبانه روز، آن هم با تکیه روی صفات خدا، رحمانیت و رحیمیت و عظمت او، مخصوصاً با کمک گرفتن از سوره‌های مختلف قرآن بعد از حمد، که بهترین دعوت کننده به سوی نیکی‌ها و پاکی‌ها است، اثر قابل ملاحظه‌ای در پرورش فضائل اخلاقی در وجود انسان دارد. [32]

از آنجا که نماز، مؤثرترین رابطه انسان با خداست، در صورتی که با شرایط صحیح انجام گیرد، دل را لبریز از عشق و محبت او می کند و در پرتو آن انسان بهتر می تواند خود را از آلودگی به گناه پاک سازد. نماز آنقدر مهم است که در سخت ترین شرایط، حتی در صحنه جنگ نباید فراموش شود و در همه حال، باید نماز را به جا آورد تا پیوند بندگان با آفریدگار جهان، همیشه برقرار باشد و به یقین از این طریق نقطه اتکاء و امیدی برای انسان به وجود می آید و او را در غلبه بر مشکلات پیروز خواهد ساخت. [37]

یاد خداوند، زمانی در انسان مؤثر است که مستمر و بسیار باشد. [38]

طبق روایات ذکر دائمی خداوند موجب رسیدن به تمامی خیرات دنیا و آخرت می شود. [39]

نماز، ذکر است زبانی و قلبی، با روشی مخصوص و شیوه ای ابتکاری که اعضای بدن از موی سر تا نوک پا در آن نقش دارند. هنگام وضو، هم روی سر را مسح می کنیم و هم روی پا را، هنگام سجده هم پیشانی بر زمین نهاده می شود هم انگشت پا، در طول نماز هم زبان ذکر او می گوید هم دل به یاد اوست. چشم ها باید خاشع باشد، کمر در رکوع خم شود، دست ها هنگام گفتن «الله اکبر» بالا بیاید، گردن، صاف و در رکوع کشیده شود، به هر حال در نماز همه اعضا به نحوی در خدمت یاد خدا هستند. [40]

نقش ذکر و یاد الهی در زندگی دنیوی و اخروی انسان بسیار برجسته است و تنها موضوعی است که در اسلام حد و مرزی ندارد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» [41]

«ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید.» [20]

چون عوامل غفلت در زندگی مادی بسیار فراوان و تیرهای وسوسه شیطان از هر سو به طرف انسان پرتاب می گردد، برای مبارزه با آن، راهی جز ذکر کثیر نیست. ذکر کثیر به معنی واقعی کلمه یعنی توجه با تمام وجود به خداوند، نه تنها با زبان و لقلقه لسان. توجه مداوم به خداوند با آن عظمت، قدرت، علم، حکمت و صفات علّیا، روح انسان را به نیکی ها و پاکی ها سوق می دهد. [42]

همان اندازه که یک انسان به یاد خداوند باشد او نیز به یاد انسان است و ارزش انسان نزد خداوند به همان مقدار ارزش خداوند در نزد انسان است:

«فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» [43]

«پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم؛ و شکر مرا بگویید و (در برابر نعمت هایم) کفران نکنید.» [20]

خداوند در برخی آیات می فرماید: «أَذْكُرُوا نِعْمَتِي» «نعمت های مرا یاد کنید» ولی در آیه می فرماید: «فَاذْكُرُونِي» «یاد خود من باشید.» یاد خداوند، زمینه ساز شکر است و لذا بر شکر مقدم شده است. این آیه، نشانگر نهایت لطف خداوند به بنده است. انسانی که جاهل، فقر، فنا و حقارت از ویژگی های اوست، چقدر مورد لطف قرار گرفته که خداوند علیم، غنی، باقی و عزیز به او می گوید: «مرا یاد کن تا تو را یاد کنم.»

مگر یاد کردن ما چه ارزشی دارد؟ مگر نه این است که یاد کردن ما نیز خود توفیقی از سوی اوست؟ [44]

می توان گفت زیباترین و منظم ترین ذکر الهی نماز است که علاوه بر اینکه باید با یک خضوع و خشوع خاص و ویژه صورت گیرد، اوقات انجام آن نیز دقیقاً مشخص است.

نماز روح انضباط را در انسان تقویت می کند چرا که دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدیم آن هر دو، موجب بطلان نماز است، همچنین آداب و احکام دیگر در مورد نیت، قیام، قعود، رکوع، سجود و مانند آن و رعایت آن ها، پذیرش انضباط را در برنامه های زندگی کاملاً آسان می سازد. [32] علاوه بر این برگزاری نماز به صورت جماعت، یکی از زیباترین و منظم ترین گردهمایی هایی اجتماعی و الهی است.

در زمان بندی اوقات نماز، در منظم بودن صف های نماز جماعت، در با هم سجده رفتن با هم نشستن با هم قیام کردن، با هم سکوت کردن با هم دعا کردن، جلو و عقب نیافتادن، قبل از وقت نماز نخواندن و نماز را به خارج از وقت نسپردن، در همه اینها سیمای نظم را مشاهده می کنیم. [45]

یکی از شروط صحت و قبولی نماز این است که نماز را رو به قبله بخوانیم و این شرط هم از زیباترین انضباط در بین اجتماع مسلمین است. مسلمانان با هر نژاد و سلیقه ای در هنگام نماز، جهت منظم و واحدی دارند که تأکید و یادآوری بر برادری مسلمانان با یکدیگر است. گفتنی است که تجربه نشان داده که اگر مسائل تربیتی، تحت انضباط و شرایط معین قرار نگیرد، عده ای آن ها را به دست فراموشی می سپارند و اساس آن به کل متزلزل می گردد. این گونه مسائل حتماً باید در اوقات

معین و تحت انضباط دقیق قرار گیرد تا هیچ کس عذر و بهانه ای برای ترک آن نداشته باشد؛ به خصوص اینکه انجام دادن این عبادت در وقت معین مخصوصاً اگر به صورت دسته جمعی (جماعت) باشد دارای شکوه و تأثیر و عظمت خاصی خواهد بود که قابل انکار نیست و در حقیقت یک کلاس بزرگ انسان سازی را این وقت شناسی تشکیل می دهد. [46]

نماز بالاترین واجب عملی

«... و أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» [47]

«... و تا زمانی که زنده ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.» [20]

در سخت ترین شرایط حتی در صحنه جنگ، نباید نماز فراموش شود. [37]

هر یک از دستورات اسلامی ممکن است به دلیلی تعطیل شود. مثلاً جهاد برای بیمار و نابینا واجب نیست خمس و زکات و حج، بر طبقه محروم واجب نیست اما تنها عبادتی که بر همه افراد و اقشار جامعه از مرد و زن، فقیر و غنی، سالم و بیمار واجب است، نماز است که تا لحظه مرگ حتی یک روز قابل تعطیل شدن نیست. (اگر چه برای زن ها در هر ماه برنامه خاصی وجود دارد). [48]

وقتی گفته می شود نماز حتی در صحنه جنگ نیز نباید فراموش شود، ممکن است کسانی تصور کنند، تا این حد اصرار و تأکید درباره نماز یک نوع سختگیری محسوب می شود و شاید انسان را از وظایف خطیری که برای دفاع از خود در چنین لحظاتی دارد غافل سازد. در حالی که این یک اشتباه بزرگ است. معمولاً انسان در این حالت بیش از

هر چیز نیاز به تقویت روحیه دارد و اگر ترس و وحشت و ضعف روحیه بر او غلبه کند شکست او تقریباً قطعی خواهد بود. چه عملی بهتر از نماز و پیوند با خدایی که فرمانش در تمام جهان هستی نافذ، و همه چیز در برابر اراده او سهل و آسان است می تواند روحیه سربازان مجاهد یا کسانی که مواجه با خطری شده اند را تقویت کند؟! [37]

نماز یک دستور انضباطی است که روح توجه به پروردگار را در انسان زنده می کند و می تواند در فواصل نمازها خدا را به خاطر داشته باشد، خواه در میدان جنگ باشد و خواه در غیر میدان جنگ. [49]

کوتاه سخن آن که نماز، بزرگترین عبادت و مهمترین پیوند خلق با خالق، و مؤثرترین راه برای فراموش نکردن ذات پاک خداوند می باشد. [50]

بیم و امید (خوف و رجاء)

کسی که زندگی ابدی پس از زندگانی کوتاه دنیا در نظرش اهمیت دارد نمی تواند موضوع نماز را نادیده بگیرد. اهمیت دادن به نماز همان گونه که انسان را می تواند به عرش الهی برساند و زندگی دنیوی و اخروی انسان را پر از طراوت کند، اعراض از این واجب الهی می تواند انسان را به قعر دوزخ بکشاند (به آیات 40 تا 43 سوره مدثر مراجعه شود).

در ابتدا نماز را از دیدگاهی بررسی می کنیم که می تواند همانند مرکبی سریع و قدرتمند انسان را به عرش الهی برساند.

از خصوصیات بی نظیر نماز محو گناهان می باشد. در حقیقت نماز همانند مداد پاکن عمل می کند یعنی هم موجب می شود بار حسنات انسان سنگین و هم آثار سوء گناهان پاک شود:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلذَّاكِرِينَ» [51]

«در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را بر پا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها) را از بین می برند؛ این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند.» [20]

شخصی به نام ابو عثمان می گوید: من با سلمان فارسی زیر درختی نشسته بودم. او شاخه خشکی را گرفت و تکان داد تا تمام برگ هایش فرو ریخت. سپس رو به من کرد و گفت: سؤال نکردی چرا این کار را کردم. گفتم: چرا این کار را کردی؟ گفت: این همان کاری بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام داد. روزی در خدمتش زیر درختی نشسته بودم. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) همین کار را کرد و به من گفت: «ای سلمان، چرا نمی پرسی چرا این کار را کردم؟» عرض کردم: بفرمایید چرا؟ فرمودند: «هنگامی که مسلمان وضویی با تمام شرایط آن بگیرد، سپس نمازهای پنجگانه را به جا آورد، گناهان او فرو می ریزد؛ همان گونه که برگ های این شاخه فرو ریخت.» سپس همین آیه را تلاوت فرمودند. [52]

در حدیثی نورانی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «گناهانی که میان دو نماز واقع شود، مورد عفو قرار می گیرد.» [53]

همچنین از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده است که: «اگر بعد از گناه، دو رکعت نماز خوانده و از خداوند، عافیت درخواست شود، اثر آن گناه محو می شود.» [54]

نماز همانند یک رودخانه با آب بسیار زلال می باشد که با پنج بار شستشو در این نهر روان دیگر چرک و آلودگی بر روح انسان باقی نمی ماند.

از امام علی (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمودند: «نمازهای پنجگانه برای امت من، همچون یک نهر آب جاری است که بر در خانه یکی از شما باشد، آیا گمان می کنید اگر کثافتی در تن او باشد، و سپس پنج بار در روز در آن نهر غسل کند، آیا چیزی از آن بر جسد او خواهد ماند؟ (مسلماناً نه) همچنین است - به خدا سوگند - نمازهای پنجگانه برای امت من. [55]

و باز از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده که می فرمایند: با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مسجد در انتظار نماز بودیم که مردی برخاسته و عرض کرد: ای رسول خدا من گناهی کرده ام، پیامبر (صلی الله علیه و آله) روی از او برگرداند، هنگامی که نماز تمام شد، همان مرد برخاست و سخن اول را تکرار کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: آیا با ما این نماز را انجام ندادی؟ و برای آن به خوبی وضو نگرفتی؟ عرض کرد: آری. فرمود: این کفاره تو است! [56]

در اهمیت ویژه نماز همین بس که معراج مؤمن و ستون دین او است.

می دانیم هنگامی که عمود خیمه، در هم به بشکند، یا سقوط کند، هر قدر طناب ها و میخ های اطراف محکم باشد، اثری ندارد، همچنین هنگامی که ارتباط بندگان با خدا، از طریق نماز، از میان برود اعمال دیگر اثر خود را از دست خواهد داد. [32]

حال نماز را از دیدگاهی بررسی می کنیم که اعراض از آن زندگی دنیوی و ابدی انسان را با سختی و نکبت مواجه می کند.

اکنون که این مطالب را نگارش می کنیم روز شهادت امام جعفر صادق (علیه السلام) می باشد. به همین دلیل صفحات این قسمت از کتاب را با حدیثی نورانی از این امام همام زینت می دهیم در نقل ها ذکر شده است که امام صادق علیه السلام در واپسین دم زندگی خویش، همه بستگان را جمع کرد و در وصیت خویش با آنان، اهمیت نماز را یاد آور شد و فرمود: «هر کس نماز را سبک بشمارد، از شفاعت ما محروم است.» [57]

همچنین در حدیثی از این امام معصوم داریم که:

«نخستین عملی که از آن حسابرسی می کنند، نماز است. پس اگر نماز پذیرفته شود دیگر اعمال او را قبول می کنند و اگر نماز رد شود، بقیه اعمالش نیز رد می شود.» [58]

شاید دلیل این سخن، آن باشد که نماز رمز ارتباط خلق و خالق است، اگر به طور صحیح انجام گیرد، قصد قربت و اخلاص که وسیله قبولی سائر اعمال است در او زنده می شود، و گرنه بقیه اعمال او مُشوب و آلوده می گردد و از درجه اعتبار ساقط می شود. [32]

مُحرک خوف برای افرادی که در امر نماز کاهلی می کنند می تواند محرک خوبی باشد.

آنکه نماز را سبک بشمرد خداوند برکت و بهره را از عمر و مال او بر می دارد پاداش کارهای او را از بین می برد، دعاهایش مستجاب نمی شود، هنگام مرگ با احساس گرسنگی و تشنگی و ذلت از دنیا می رود، در عالم برزخ، شکنجه و عذاب می شود و در قیامت، حساب از او می کشند. [59]

در قیامت بارها میان اهل بهشت و اهل دوزخ گفتگو رخ می دهد که قرآن برخی از آنها را بیان فرموده است. در یکی از این صحنه ها، اهل

بهشت از مجرمان می پرسند چه عاملی شما را به دوزخ روانه کرد؟ آنها چهار عامل را می شمردند که اولین آن ها پایبند نبودن به نماز است. [60]

نماز ذکر الهی است و اعراض از ذکر الهی زندگی انسان را سخت و پیچیده می کند:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» [61]

«و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محسوس می کنیم.» [20]

ممکن است بگوئید بسیاری اهل نماز نیستند ولی زندگی خوبی دارند، ولی باید به درون زندگی آنها سری زد تا ببینیم آیا صفا و آرامش لازم را دارند یا نه؟ در مشکلاتی که برای آنها پیش می آید چقدر دستپاچه می شوند و خودشان را می بازند؟ باقی انسان ها را با چه دیدی می نگرند؟ تقوی و عدالت چه جایگاهی نزدشان دارد؟ روحشان به چه چیز وابسته است؟ به آینده خود چقدر اطمینان دارند؟ اضطراب و هیجان های روانی، تزلزل خانوادگی، ضعف اعصاب، بدگمانی، احساس غربت و تنهایی از درون، فساد و فحشا، آمار جنایت، فرار از خانه، بالا بودن آمار طلاق، خود باختگی، ترس و ... در جامعه بی نماز بیشتر است یا با نماز؟ [62]

روح نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» [63]

«به یقین مؤمنان رستگار شدند.» «آن ها که در نمازشان خشوع دارند.» [20]

خداوند متعال در بیان صفات مؤمنان قبل از هر چیز انگشت روی نماز می گذارد، می گوید: آن ها کسانی هستند که در نمازشان خاشعند. «خاشعون» از ماده خشوع به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می شود و آثارش در بدن ظاهر می گردد. در اینجا قرآن اقامه صلوة (خواندن نماز) را نشانه مؤمنان نمی شمارد بلکه خشوع در نماز را از ویژگی های آنان می شمرد، اشاره به این که نماز آن ها الفاظ و حرکاتی بی روح و فاقد معنی نیست، بلکه به هنگام نماز آنچنان حالت توجه به پروردگار در آن ها پیدا می شود که از غیر او جدا می گردند و به او می پیوندند، چنان غرق حالت تفکر و حضور و راز و نیاز با پروردگار می شوند، که بر تمام ذرات وجودشان اثر می گذارد. خود را ذره ای می بینند در برابر وجودی بی پایان، و قطره ای در برابر اقیانوسی بیکران. لحظات این نماز هر کدام برای او درسی است از خود سازی و تربیت انسانی و وسیله ای است برای تهذیب روح و جان.

[64]

در قرآن، یازده مورد کلمه فلاح (رستگاری) با کلمه «لَعَلَّ» (شاید) همراه است: «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ولی در سه مورد بدون این کلمه و به طور حتمی مطرح شده است. یکی در همین سوره و یکی در سوره شمس: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» و دیگری در سوره اعلی: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى». از مقایسه این سه مورد با یکدیگر، روشن می شود که ایمان و تزکیه دارای جوهر واحدی هستند. برترین و آخرین هدف تمام برنامه های اسلام، فلاح و رستگاری است. در بسیاری از آیات قرآن از تقوا سخن گفته شده و هدف از احکام دین هم رسیدن به تقوا است: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» و آخرین هدف تقوا نیز فلاح است: «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». جالب است که مهم

ترین و آخرین هدف دین اسلام در اولین شعار آن آمده است: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» به یگانی خداوند ایمان آورید و «لا اله الا الله» بگویید تا رستگار شوید. هر شبانه روز، در اذان و اقامه نمازهای یومیه جمله «حی علی الفلاح» را بیست بار بر زبان می آوریم و هدف نهایی را با فریاد اعلام می کنیم، تا راه را گم نکنیم. [65]

روح نماز حضور قلب در نماز است. عبادت و نماز هم جسمی دارد و هم روحی. اگر رشد و حیات جسم به روح است، اثر بخشی و سازندگی و قرب آوری فریضه نماز هم به روح آن است. [66]

انتخاب فعل ماضی اَفْلَحَ در مورد رستگاری مؤمنان برای تأکید هر چه بیشتر است، یعنی رستگاری آن ها آن قدر مسلم است که گویی قبلاً تحقق یافته و ذکر کلمه قَدْ قبل از آن، تأکید دیگری برای موضوع است. استفاده از خاشعون (به صورت اسم فاعل) دلیل بر آن است که: برنامه مؤمنان راستین در این صفت برجسته، موقتی و محدود نیست بلکه مستمر و دائمی است. اگر رکوع، سجود، قرائت و تسبیح را جسم نماز بدانیم، حضور قلب و توجه درونی به حقیقت نماز، و کسی که با او راز و نیاز می کنیم، روح نماز است، خشوع نیز در واقع چیزی جز حضور قلب توأم با تواضع، ادب و احترام نیست و به این ترتیب، روشن می شود: مؤمنان تنها به نماز به عنوان یک کالبد بی روح نمی نگرند، بلکه تمامی توجه آن ها به باطن و حقیقت نماز است. [64]

حضور قلب آن است که انسان در نماز، توجه قلبی به خدا داشته باشد و از یاد او غافل نشود و در تمام جملات و حرکات نماز، بداند چه می گوید، چه می خواهد، معنی حرکات و افعالش چیست، رو به چه کسی ایستاده، قبله اش کجاست، چرا نماز می خواند و در برابر چه

خدای عظیمی به نیایش و پرستش و حمد و ثنا و ذکر و دعا ایستاده است. اگر ذهن انسان به مسائل دیگر مشغول باشد، اگر حواس انسان پرت شود، اگر هر صدایی، هر منظره ای هر رفت و آمدی هر نوشته و خط و نقاشی و صحنه ای، او را به خود مشغول کند و یادش رود که در حال نماز است و کجا ایستاده و چه می گوید، معنای این نداشتن حضور قلب است. [67]

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مردی را دید که در نماز با ریش خود بازی می کند، فرمودند: اگر او در قلبش خشوع بود، اعضای بدنش نیز خاشع می شد. [68]

امام علی علیه السلام فرمودند: «توجه به غیر خدا در حال نماز، دست بردی از جانب شیطان است. پس، از توجه به غیر خدا در حال نماز بپرهیزد؛ زیرا هر گاه بنده به نماز بایستد، خداوند تبارک و تعالی به او رو می کند و چون بنده به این سو و آن سو توجه کند، خداوند تبارک و تعالی فرماید: ای فرزند آدم! از که روی می گردانی؟! تا سه مرتبه و چون برای چهارمین بار بنده به غیر خداوند توجه کرد، خداوند نیز از او روی می گرداند.» [69]

کسی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسید: می خواهم در نماز حضور قلب داشته باشم، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «در هنگام وضو دقت کن یعنی با توجه وضو بگیر...» [70]

در روایات می خوانیم از نماز آن بخش هایی قبول است که انسان حضور قلب داشته باشد و اگر حضور قلب نبود، نمازهای نافله سبب قبول آن است. نمازهای نافله کلید قبولی نمازهای واجب است. اصل نماز توجه قلبی است و از نماز آن مقداری قبول می شود که در آن توجه قلبی باشد. شروع نماز با قلب و نیت است بعد با زبان بعد با حرکات

بدن. نماز بدون حضور قلب نظیر میوه های تزئینی و پلاستیکی است. حضور قلب نظیر نخ اسکناس است که اگر نباشد، اسکناس قابل قبول نیست. جالب آن که هر یک از واجبات و مستحبات نماز در موقعیت خاصی است مانند قرائت در حال قیام، ذکر در حال رکوع و سجده ولی آنچه در تمام نماز شرط است، نیت و حضور قلب می باشد. نماز برای رسول الله (صلی الله علیه و آله) و امثال او نور چشم است ولیکن برای بعضی ها که خشوع ندارند، بار سنگین است، خشوع، مربوط به قلب است. نماز با توجه، انسان را به یاد قدرت بی نهایت خدا می اندازد و غیر او را هر چه باشد کوچک جلوه می دهد. مهر او را در دل زیاد می کند، روحیه توکل را تقویت می کند و انسان را از وابستگی های مادی می رهاند. حضرت علی (علیه السلام) هنگام نماز رنگ صورتش تغییر می کرد و می لرزید و می فرمود: وقت ادای امانتی فرا رسیده که خداوند بر آسمان ها و زمین عرضه داشت و آن ها نپذیرفتند اما انسان پذیرفت. [71]

بی شک نماز اگر با همه آداب به خصوص با حضور قلب که روح آن است انجام شود، تأثیر فوق العاده مثبتی در فرد و جامعه دارد و می تواند بسیاری از مشکلات را حل کند، و جامعه را از بسیاری از مفاسد برهاند و در حوادث سخت و پیچیده یار و یاور انسان باشد. [37]

بسیارند کسانی که اشتیاق فراوان به حضور قلب، خشوع و خضوع در نماز ها دارند اما هر چه می کوشند توفیق آن را نمی یابند. برای تحصیل خشوع و حضور قلب در نماز و سایر عبادات، رعایت موارد زیر بسیار مؤثر است:

- 1- به دست آوردن آنچنان معرفتی که دنیا را در نظر انسان کوچک، و خدا را بزرگ کند، تا هیچ کار دنیوی نتواند به هنگام راز و نیاز با معبود نظر او را جلب کند و از خدا منصرف سازد.
- 2- توجه به کارهای پراکنده و مختلف، معمولاً مانع تمرکز حواس است و هر قدر انسان، توفیق پیدا کند مشغله های مشوش و پراکنده را کم کند، به حضور قلب در عبادات خود کمک کرده است.
- 3- انتخاب محل و مکان نماز و سایر عبادات نیز، در این امر، اثر دارد، به همین دلیل، نماز خواندن در برابر اشیاء و چیزهایی که ذهن انسان را به خود مشغول می دارد، مکروه است. و همچنین، در برابر درهای باز و محل عبور و مرور مردم، در مقابل آئینه و عکس و مانند اینها. به همین دلیل مساجد هر قدر ساده تر، خالی از زرق و برق و تشریفات باشد، بهتر است؛ چرا که به حضور قلب کمک می کند.
- 4- پرهیز از گناه نیز عامل مؤثری است؛ زیرا گناه، قلب را از خدا دور می سازد، و از حضور قلب می کاهد.
- 5- آشنائی به معنی نماز و فلسفه افعال و اذکار آن، عامل مؤثر دیگری است.
- 6- انجام مستحبات نماز و آداب مخصوص آن چه در مقدمات و چه در اصل نماز نیز کمک مؤثری به این امر می کند.
- 7- از همه اینها گذشته، این کار، مانند هر کار دیگر نیاز به مراقبت، تمرین، استمرار و پی گیری دارد، بسیار می شود که در آغاز انسان در تمام نماز یک لحظه کوتاه قدرت تمرکز فکر پیدا می کند، اما با ادامه این کار و پی گیری و تداوم آنچنان قدرت نفس پیدا می کند که می تواند به هنگام نماز در پیچه های فکر خود را بر غیر معبود مطلقاً ببندد! [64]

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» [72]

«و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند.» [20]

بعضی می گویند: ما منکر فلسفه اهمیت نماز و اثرات تربیتی آن نیستیم، اما چه لزومی دارد که در اوقات معینی انجام شود، آیا بهتر نیست مردم آزاد گذارده شوند و هر کس به هنگام فرصت و آمادگی روحی این وظیفه را انجام دهد؟ در پاسخ باید گفت: تجربه نشان داده اگر مسائل تربیتی تحت انضباط و شرائط معین قرار نگیرد، عده ای آن را به دست فراموشی می سپارند، و اساس آن به کلی متزلزل می گردد. این گونه مسائل حتماً باید در اوقات معین و تحت انضباط دقیق قرار گیرد، تا هیچ کسی عذر و بهانه ای برای ترک آن نداشته باشد، به خصوص اینکه: انجام این عبادات در وقت معین، مخصوصاً به صورت دسته جمعی، دارای شکوه، تأثیر و عظمت خاصی است که قابل انکار نمی باشد و در حقیقت یک کلاس بزرگ انسانی تشکیل می دهد. از این گذشته، آن کس که انسان را آفریده، از تمام شرایط روحی او آگاه است و می داند چه برنامه ای برای چه وقت از اوقات او مفید و در رسیدن به مقصد کمکش می کند. [49]

«... إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» [73]

«... مسلماً نماز همواره در اوقاتی مشخص و معین وظیفه ای مقرر و لازم بر مؤمنان است.» [81]

کلمه «کتاباً» به معنای امری نوشته شده و واجب و کلمه «مَوْقُوت» به معنای کاری با وقت معین است و این یعنی واجب است هر نماز در وقت مخصوص خودش اقامه شود. [74]

حضرت علی (علیه السلام) در حدیثی نورانی فرمودند:

«هیچ کاری نزد خداوند عزوجل محبوب تر از نماز نیست. پس مبادا چیزی از امور دنیا شما را از اوقات نماز بازدارد؛ زیرا خداوند متعال مردمانی را نکوهیده و فرموده است؛ آنان که از نمازشان غافلند؛ یعنی از اوقات نماز غافل اند و به آن اهمیتی نمی دهند.» [75]

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

«فضیلت اول وقت (نماز) بر آخر وقت، همچون فضیلت آخرت بر دنیا است.» [76]

و باز از این امام همام (علیه السلام) روایت شده است که:

«شیعیان ما را در سه چیز آزمایش کنید: در اوقات نماز که تا چه اندازه مراقبت آن ها را دارند و در اسرار مذهبی که چگونه آن ها را از دشمن ما حفظ می کنند و در ثروتشان که با برادران دینی خود تا چه مقدار کمک و همراهی می کنند.» [77]

در کتاب غیبة شیخ طوسی ص 271 و همچنین معجم الحادیث الامام المهدی (عج) ج 6، ص 137 داستانی از تشریف فردی به نام زهری نقل شده است که حضرت حجت (عج) به ایشان می فرماید: «ملعون است، ملعون است هر کس نماز مغرب را به تأخیر بیندازد تا ستارگان آسمان مثل شبکه به هم بگذرند، ملعون است، ملعون است کسی که نماز صبح را به تأخیر بیندازد تا این که ستارگان آسمان ناپدید شوند.»

هنگامی که انسان نمازهای خود را اول وقت بجا می آورد، نماز او با نماز اولیاء خدا و در رأس آن ها، امام عصر (عج) مقارن می شود و امید بسیار می رود که مشمول دعاهایی که آن بزرگواران در حق مؤمنین و نمازگزاران می کنند شود.

یکی از ادیانی که نامشان در قرآن آمده، «صابئین» هستند که به حضرت یحیی (علیه السلام) گرایش دارند و برای ستارگان تأثیری قائلند. نماز و مراسم ویژه ای دارند و هنوز در خوزستان گروهی از آنان هستند. این فرقه، رهبری دانشمند ولی مغرور داشتند که بارها با امام رضا (علیه السلام) گفتگو کرد، ولی زیر بار نمی رفت. در یکی از جلسات، امام رضا (علیه السلام) استدلالی کرد که او تسلیم شد و گفت: اکنون روح من نرم شده حاضرم مکتب تو را بپذیرم، ناگهان صدای اذان بلند شد، امام رضا (علیه السلام) جلسه را ترک کرد، مردم گفتند: فرصت حساسی است، چنین فرصتی پیش نمی آید، امام (علیه السلام) فرمودند: اول نماز! او که این تعهد را از امام دید، علاقه اش بیشتر شد بعد از نماز گفتگویش را تکمیل کرد و ایمان آورد. [78]

قرآن می فرماید:

«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» [79]

«در انجام همه نمازها و (بخصوص) نماز وسطی [= نماز ظهر] کوشا باشید؛ و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا به پا خیزید.» [20]

در اینجا دستور نمی دهد که نماز بخوانید، دستور می دهد که محافظت و مراقبت بکنید از نماز و این خیلی بالاتر از اصل نماز است. ممکن است فردی نماز بخواند، تارک الصلوة هم نباشد، ولی از کسانی نباشد که حافظ صلوة هستند و اسلام می خواهد که افراد محافظ نمازها باشند. در روایتی از امام محمد باقر (علیه السلام) داریم که: «هر کسی نماز را به وقت خودش بخواند، در حالی که عارف به حق نماز باشد و هیچ چیزی را بر نماز ترجیح ندهد، خداوند متعال برائت از آتش دوزخ را برای او می نویسد.» وقتی گفته می شود هیچ چیز را بر نماز ترجیح ندهد

ص: 37

یعنی در گرسنگی، در مغازه و وقت فروش، در وقت هر کاری، نماز را مقدم بدارد. یعنی حتی اگر عبادتی را انجام می دهد مثلاً قرآن می خواند، وقتی موقع نماز می رسد آن عبادت را ترجیح ندهد، آن عبادت را رها کند و نماز بخواند و بعد آن را انجام دهد. مؤمن غیر نماز را بر نماز مقدم نمی دارد. اگر عالمی است و مشغول سخنرانی است، مستمعین هم نشسته اند اگر این عالم سخنرانی اش را بر نماز ترجیح دهد و بگوید حالا طوری نیست نماز را رها کند و بگوید حالا نماز را بعد از 10 دقیقه می خوانیم این را اسلام نمی پسندد. انسان مشغول شنیدن مصیبت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) است، غرق گریه هم هست وقتی که گفتند الله اکبر، او مصیبت و سینه و زنجیر و گریه را رها کند و مشغول نماز شود. در یکی از سال ها در حرم حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در روز عاشورا هیأتی از قم آمدند، هیأت بزرگی بود، همین که وارد صحن حضرت معصومه (سلام الله علیها) شدند مؤذن اذان گفت این را می دانید که سینه زنان ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) چقدر علاقه دارند که در حرم به طور مفصل عزاداری کنند. آن هم روز عاشورا! همین که به صحن حضرت معصومه (سلام الله علیها) رسیدند، مؤذن گفت: الله اکبر وسط صحن نماز را خواندند و بعد دوباره شروع کردند. خدا می داند این مردم های های شروع به گریه کردند، حقیقت اسلام این جور ظاهر می شود. اگر همیشه بدین شکل عمل شود، واقعاً تأثیر خود را می گذارد. خدای حسین می داند که همین عمل به اندازه صد سال گریه بر ابا عبدالله و بیشتر ثواب دارد. برای اینکه عده ای را همین عمل، نماز خوان می کند. [80]

آیه مطرح شده، تأکید فراوانی بر محافظت و مراقبت از نمازهای پنجگانه دارد. محافظت بر نماز، به حفظ آداب و شرایط و خصوصیات آن

تعبیر شده است. به آداب و شرایطی که هم ظاهر نماز را از فساد و بطلان حفظ می کند، هم روح نماز را که حضور قلب است، تقویت می کند و هم موانعی را که سدّ راه قبول آن است، از بین می برد. اتفاقاً از نظر برنامه زمانی نخستین چیزی که بر انسان بالغ واجب می شود، و آخرین چیزی که تا پایان عمر نیز همراه اوست، نماز است. جالب اینکه محافظت انسان نسبت به نماز طرفینی است، هم او باید نماز را از فساد خلل حفظ کند و هم نماز انسان را از تباهی و فساد محافظت می کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هر کس نماز خود را محافظت کند نماز برای او مایه نور و روشنائی و آگاهی و نجات در روز قیامت است.» [82]

یکی از راه های محافظت نماز، خواندن آن در وقت مشخص آن به ویژه اول وقت است. [83]

در حدیثی نورانی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که:

«محافظت نماز یعنی روی آوردن انسان به نماز و مراقب وقت آن بودن؛ به گونه ای که (هیچ چیزی) او را از نماز باز ندارد و هیچ چیزی او را مشغول نکند.» [84]

در روایتی از امام علی (علیه السلام) در ضمن وصایای ایشان به محمد بن ابی بکر می خوانیم:

«نماز را در وقت معین آن به جای آر ... و به سبب اشتغال، نماز را به تأخیر نینداز، و باید که همه کارهای تو تابع نماز باشد.» [85]

و باز از آن حضرت روایت شده است که فرمودند:

«نماز را برگردن گیرید و در حفظ آن بکوشید و بسیار به جای آورید و بدان به خدای تقرب جوئید: «فانها کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً»

آیا پاسخ دوزخیان را نمی شنوید وقتی از ایشان می پرسند چه چیز شما را در آتش (سَقَر) درآورد؟ گویند: از نمازگزاران نبودیم.» [86]

قرآن کریم در سوره معارج آیه 23 می فرماید: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» «آن ها که نمازهایشان را دائماً به جا می آورند.» بدیهی است: منظور از مداومت بر نماز این نیست که همیشه در حال نماز باشند، بلکه منظور این است در اوقات معین نماز را انجام می دهند. اصولاً، هر کار خیری آنگاه در انسان اثر مثبت می گذارد که تداوم داشته باشد، و لذا در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می خوانیم: «محبوب ترین اعمال نزد خدا، چیزی است که مداومت داشته باشد، هر چند کم باشد.» قابل توجه این که: در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم: «منظور این است: هرگاه انسان چیزی از نوافل را بر خود فرض می کند، همواره به آن ادامه دهد.» و در حدیث دیگری از همان امام (علیه السلام) نقل شده که: «این آیه اشاره به نافله است و [آیه 34 سوره معارج یعنی] «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» «و آن ها که بر نماز مواظبت دارند.» ناظر به نماز فرضیه می باشد. این تفاوت، ممکن است از اینجا باشد که تعبیر به محافظت مناسب نمازهای واجب است که دقیقاً آنها را باید در وقت های معین انجام داد، اما تعبیر به تداوم مناسب نمازهای مستحب؛ چرا که انسان می تواند آن ها را انجام دهد و گاه ترک کند. [87]

با بررسی آیات ابتدایی سوره مؤمنون متوجه می شویم در میان تمام اوصافی که خداوند برای مؤمنان برمی شمرد، توجه به نماز برترین و مهمترین آن هاست، چرا چنین نباشد؟ در حالی که نماز مکتب عالی تربیت و مهمترین وسیله تهذیب نفوس و پاکسازی جامعه است. [88]

جالب این است که در این آیات نخستین ویژگی مؤمنان را خشوع در نماز و آخرین صفت آنها را محافظت بر نماز شمرده است. از نماز شروع می شود و به نماز ختم می شود. چرا که نماز مهمترین رابطه خلق و خالق است. نماز برترین مکتب عالی تربیت است. نماز وسیله بیداری روح و جان و بیمه کننده انسان در برابر گناهان است. نماز، هر گاه با آدابش انجام گردد، زمینه مطمئنی برای همه خوبی ها و نیکی ها خواهد بود. [89]

در جایی دیگر از قرآن کریم خداوند متعال می فرماید:

«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» [90]

«و این کتابی است که ما آن را نازل کردیم؛ کتابی پر برکت، که آنچه را پیش از آن آمده، تصدیق می کند؛ (آن را فرستادیم تا مردم را به پاداش های الهی، بشارت دهی،) و تا (اهل) امّ القری [= مکه] و کسانی را که گرد آن هستند بترسانی. (یقین بدان) آن ها که به آخرت ایمان دارند، به آن ایمان می آورند؛ و بر نمازهای خویش مراقبت می کنند.» [20]

در آیه فوق، از میان تمام دستورات دینی تنها به نماز اشاره شده است و همان طور که می دانیم نماز مظهر پیوند با خدا و ارتباط با اوست، به همین دلیل از همه عبادات برتر و بالاتر است و به عقیده بعضی هنگام نزول این آیات، تنها فریضه اسلامی همین نماز بود. [91]

در اینجا خالی از لطف نیست که بیان کنیم آیات متعدد قرآن از جمله آیه فوق گواهی می دهد که اسلام یک آیین جهانی است. [به عنوان نمونه به آیات 19 و 90 سوره انعام، آیه 158 اعراف، 52 قلم، 27 تکویر، 104 یوسف (ع)، 87 ص مراجعه شود.] ولی با توجه به این آیه،

این سؤال پیش می‌آید که چگونه هدف بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، انذار و هدایت مردم مکه و کسانی ذکر شده که پیرامون آن هستند. آیا این مطلب با جهانی بودن اسلام منافات ندارد؟ در پاسخ باید گفت که «قریه» در زبان قرآن، به معنای هر گونه آبادی است؛ اعم از این که شهر بزرگ باشد یا شهر کوچک یا روستا. برای مثال در آیه 83 سوره یوسف (ع) از زبان برادران او در مقابل پدرشان می‌خوانیم: «از قریه ای که ما در آن بودیم، سؤال کن» و می‌دانیم که آنان این سخن را پس از بازگشت از پایتخت مصر و ماجرای توقیف برادرشان «بنیامین»، از طرف دستگاه عزیز مصر گفته‌اند. بدیهی است که منظور از «القری» (قریه‌ها) در اینجا روستاها نیست؛ بلکه شامل همه نقاط مسکونی جهان می‌شود. از طرف دیگر در روایات متعدد می‌خوانیم که خشکی‌های زمین، از زیر خانه کعبه گسترده شده که «دحوالارض» (گسترش زمین) نام گرفته است؛ بدین معنی که اولین نقطه در زمین که از آب خارج شده، مکه بوده است. به همین دلیل، به مکه «ام القری» می‌گویند. چون کلمه «ام» به معنای اصل و اساس و ابتدا و آغاز هر چیزی است، بنابراین، در «مَن حولها» (آنها که گرد آن هستند) تمام مردم روی زمین را شامل می‌شود. [92]

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا» [93]

«اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و به زودی مجازات گمراهی خود را خواهند دید!» [20]

ضایع کردن نماز، غیر از نخواندن و ترک آن است. کسی که نماز می‌خواند، ولی بدون رعایت شرایط آن یا با تأخیر، چنین کسی نماز را ضایع کرده و آن را سبک شمرده است. در این آیه برای نشان دادن

چهره نسلی به نسل دیگر، ضایع کردن نماز آنان را نشان می دهد. در حقیقت نماز، سدی است میان انسان و شهوات و اگر این سد شکسته شود، پیروی از شهوات ها برای انسان آسان می شود و کسی که از رابطه با خدا (نماز) جدا شود، به شهوات پیوند می خورد و کیفر ضایع کردن نماز سردرگمی است. [94]

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که: «مراد از ضایع کردن نماز در این آیه تأخیر در نماز است.» [95]

روایت شده شخصی از امام صادق (علیه السلام) از بهترین وسیله ها برای نزدیک شدن به خدا و محبوب ترین آنها نزد خدا پرسش کرد. امام فرمود: «من بعد از شناخت خدا چیزی بهتر از نماز سراغ ندارم. مگر نمی بینی بنده صالح حضرت عیسی (علیه السلام) می گوید: «و أوصانی بالصلاة...؟» [96]

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» [97]

«پس وای بر نمازگزارانی که ...» «در نماز خود سهل انگاری می کنند.» [20]

نه ارزشی برای آن قائلند، نه به اوقاتش اهمیتی می دهند و نه ارکان و شرائط و آدابش را رعایت می کنند. ساهون از ماده سهو در اصل به معنی خطائی است که از روی غفلت سرزند، خواه در فراهم کردن مقدماتش مقصر باشد یا نه، البته در صورت اول معذور نیست، و در صورت دوم معذور است، ولی در اینجا منظور سهو توأم با تقصیر است. باید توجه داشت: نمی فرماید: در نمازشان سهو می کنند چون سهو در نماز به هر حال برای هر کسی واقع می شود، بلکه می فرماید: از اصل نماز سهو می کنند و کل آن را به دست فراموشی می سپرند. روشن است، این

مطلب اگر یک یا چند بار اتفاق بیفتد، ممکن است از قصور باشد، اما کسی که پیوسته نماز را فراموش می کند و آن را به دست فراموشی می سپارد، پیداست که برای آن اهمیتی قائل نیست و یا اصلاً به آن ایمان ندارد، و اگر گهگاه نماز می خواند، از ترس زبان مردم و مانند آن است. در این که، منظور از ساهون در اینجا چیست؟ علاوه بر آنچه گفتیم، تفسیرهای دیگری نیز گفته اند، از جمله اینکه: منظور تأخیر انداختن نماز از وقت فضیلت است. به هر حال، وقتی فراموش کنندگان نماز، شایسته ویل هستند، آن ها که به کلی ترک نماز گفته و تارک الصلوة هستند، چه حالی خواهند داشت؟! [98]

در حدیث می خوانیم که: هر کس به اوقات نماز بی اعتنائی کند و نماز را در اول وقت نخواند، ویل دارد. [99]

یونس بن عمار می گوید: از حضرت امام صادق (علیه السلام) از معنای این آیه سؤال کردم که آیا مراد وسوسه شیطان است که انسان را گرفتار سهو می کند؟ حضرت فرمودند: «خیر، هر انسانی گرفتار سهو در نماز می شود و لیکن مراد این است که نماز می خواند، ولی آن را در اول وقتش نمی خواند.» [100]

اکنون که این مطالب را نگارش می کنیم مصادف با 6 ذی القعدة 1444 ه. ق و سالروز بزرگداشت حضرت احمد بن موسی (علیهما السلام) شاهچراغ می باشد. یادی کنیم از شهید سید فرید الدین معصومی شهید نخبه ای که اهمیت به نماز اول وقت، شهادت را برایش دست یافتنی کرد و در حادثه تروریستی آبان ماه 1401 در حرم مطهر شاهچراغ (علیه السلام) به درجه رفیع شهادت نائل گردید. روحش شاد و یادش گرامی.

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» [101]

«و از صبر و نماز یاری جوئید؛ (و با استقامت و مهار هوس های درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید؛) و این کار، جز برای خاشعان، گران است» [20]

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» [102]

«ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر (و استقامت) و نماز کمک بگیرید؛ (زیرا) خداوند با صابران است.» [20]

برای پیشرفت و پیروزی بر مشکلات دو رکن اساسی لازم است. یکی پایگاه نیرومند درونی، و دیگری تکیه گاه محکم برونی، در آیات فوق به این دو رکن اساسی با تعبیر صبر و صلوة اشاره شده است. صبر آن حالت استقامت و شکیبائی و ایستادگی در جبهه مشکلات است، و نماز، پیوندی است با خدا و وسیله ارتباطی است با این تکیه گاه محکم. مفسران بزرگ در تفسیر این آیه نقل کرده اند که: رسول گرامی اسلام هر گاه با مشکل روبرو می شد که او را ناراحت می کرد، از نماز و روزه مدد می گرفت. و نیز از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: هنگامی که با غمی از غم های دنیا رو به رو می شوید، وضو گرفته، به مسجد بروید، نماز بخوانید و دعا کنید، زیرا خداوند دستور داده: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» توجه به نماز و راز و نیاز با پروردگار، نیروی تازه ای در انسان ایجاد می کند و او را برای رویارویی با مشکلات نیرو می بخشد. در کتاب کافی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: هنگامی که مشکل مهمی برای علی (علیه السلام) پیش می آمد به نماز بر می خاست سپس این آیه را تلاوت می فرمود «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». آری، نماز انسان را به قدرت

لایزالی پیوند می دهد که همه مشکلات برای او سهل و آسان است و همین احساس، سبب می شود انسان در برابر حوادث، نیرومند و خونسرد باشد. [103]

در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده، که صبر بر سه نوع است: 1- صبر در برابر مصیبت 2- صبر در برابر معصیت 3- صبر در برابر عبادت. بنابراین آنچه در روایات آمده که مراد از صبر در این آیه روزه است اشاره به یکی از مصادیق صبر دارد. نماز برای رسول الله (صلی الله علیه و آله) و امثال او نور چشم است و لکن برای بعضی ها که خشوع ندارند، همچون باری سنگین است. خشوع، مربوط به قلب و روح و خضوع، مربوط به اعضای بدن است. نماز با توجه، انسان را به یاد قدرت بی نهایت خدا می اندازد و غیر او را هر چه باشد کوچک جلوه می دهد. مهر او را در دل زیاد می کند، روحیه توکل را تقویت می کند و انسان را از وابستگی های مادی می رهاند. همه این آثار، انسان را در برابر مشکلات مقاوم می سازد. صبر و مقاومت، کلید تمام عبادات است. فرشتگان به اهل بهشت سلام می کنند، اما نه به خاطر عبادت و نماز و حج و زکات آنان، بلکه به خاطر مقاومت و پایداری آنها؛ «سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» چون اگر مقاومت نباشد، نماز و جهاد و حج و زکات نیز وجود نخواهد داشت. حتی شرط رسیدن به مقام هدایت و رهبری، صبر است. [104]

به عکس آنچه بعضی تصور می کنند، صبر هرگز به معنی تحمل بدبختی ها و تن دادن به ذلت و تسلیم در برابر عوامل شکست نیست، بلکه صبر و شکیبائی به معنی پایداری و استقامت در برابر هر مشکل و هر حادثه است. کمتر موضوعی را می توان در قرآن یافت که مانند صبر تکرار و مورد تأکید قرار گرفته باشد، در قرآن مجید حدود هفتاد مورد

در صبر، سخن به میان آمده که بیش از ده مورد از آن با شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) اختصاص دارد. تاریخ مردان بزرگ گواهی می دهد یکی از عوامل مهم یا مهم ترین عامل پیروزی آنان استقامت و شکیبائی بوده است، افرادی که از این صفت بی بهره اند در گرفتاری ها بسیار زود از پا در می آیند و می توان گفت: نقشی را که این عامل در پیشرفت افراد و جامعه ها ایفا می کند، نه فراهم بودن امکانات دارد و نه استعداد و هوش و مانند آن. به همین دلیل در قرآن مجید روی این موضوع با مؤکدترین بیان تکیه شده است، آنجا که در آیه 10 سوره زمر می فرماید: «إِنَّمَا يُؤَفِّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» «صابران، پاداش خود را بی حساب می گیرند.» اصولاً ویژگی استقامت و پایداری، این است که: فضائل دیگر بدون آن ارج و بهائی نخواهد داشت، چرا که پشتوانه همه آن ها صبر است و لذا در نهج البلاغه در کلمات قصار می خوانیم: «بر شما باد به صبر و پایداری که صبر در برابر ایمان همچون سر است در مقابل تن، تن بی سر فایده ای ندارد، همچنین ایمان بدون صبر ناپایدار و بی نتیجه است. در روایات اسلامی عالی ترین صبر را آن دانسته اند که به هنگام فراهم آمدن وسائل عصیان و گناه، انسان مقاومت کند و از لذت گناه چشم بپوشد. نماز آنقدر مهم است که به عنوان یک تکیه گاه اساسی در کنار صبر معرفی شده است. هنگامی که انسان در برابر حوادث سخت و مشکلات طاقت فرسا قرار می گیرد و نیروی خود را برای مقابله با آن ها ناچیز می بیند، نیاز به تکیه گاهی دارد که از هر جهت نامحدود و بی انتها باشد، نماز او را با چنین مبدئی مربوط می سازد، و با اتکاء بر او می تواند با روحی مطمئن و آرام، امواج سهمگین مشکلات را در هم بشکند. بنابراین آیات گفته شده در حقیقت به دو اصل توصیه می کند:

یکی اتکای به خداوند که نماز مظهر آن است و دیگری مساله خود یاری و اتکای به نفس که به عنوان صبر از آن یاد شده است. [105]

کسی که نماز را با حضور قلب و با توجه می خواند، به معراج می رود. هر چه پرواز معنوی او بیشتر باشد و بالاتر رود، دنیا و مشکلات آن حتی خوشی های آن کوچکتر می شود. [106]

به طور کلی هر جا که کار و تلاش بیشتر است نیاز به نماز بیشتر است. انسان معمولاً در شب ها خواب است و فعالیتی ندارد، از این رو از عشاء تا صبح نمازی واجب نیست ولی نیاز معنوی انسان در روز بیشتر است. هوس ها، طاغوت ها، جلوه ها، حيله ها و تمام پرتگاه ها در روز جلوه دیگری دارند و لذا اول روز و آخر روز باید نماز خوانده شود و برای وسط روز سفارش ویژه آمده است و از آنجا که روزهای جمعه و عید ایام فراغت است و معمولاً فساد در ایام فراغت بیشتر به سراغ انسان می آید، سفارش به نماز جمعه و نماز عید شده است. شاید به خاطر لطافت و ظرافت بیشتری که روح دختر دارد و غبار و فساد در روح های لطیف تر زودتر منعکس می شود، نماز دختران از 9 سالگی شروع می شود. چون نماز ریسمان ارتباط با خداست، همین که پاره شد، افتادن در وادی تباهی حتمی است، همچون گسستن بند تسبیح، که همه دانه ها در اثر آن پخش و گم می شوند. [107]

در حدیث می خوانیم که هر کس می خواهد بداند مقام و ارزش او نزد خداوند چگونه است، ببیند که خدا نزد او چه مقامی دارد. اگر نماز در نزد تو بزرگ و محترم بود، تو نیز نزد خداوند احترام داری و اگر نسبت به انجام فرمان او بی تفاوت بودی، مقام و ارزشی نزد او نداری و همچنین اگر نماز تو را از فساد و فحشا باز داشت، نشانه تأثیر و قبولی نماز است. طبق آیه اول، نماز بار سنگینی است مگر برای افراد خاشع. بنابراین هر

گاه احساس کردیم نماز برای ما سنگین است باید بفهمیم روح خشوع نسبت به پروردگارمان نداریم و از دست دادن خشوع زمینه بی تفاوتی و کبر است. [108]

نماز در مساجد

«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» [109]

«بگو: پروردگارم امر به عدالت کرده است؛ و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید؛ و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید؛ (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید (بار دیگر در رستاخیز) باز می گردید.» [20]

مسجد اسم مکان و در لغت. به معنای جای سجده و عبادت است. [110]

با بررسی آیات قرآن کریم در می یابیم کلمه مسجد به صورت مفرد 22 بار در قرآن کریم [الْمَسْجِدَ سه بار در آیات 28 توبه، 7 اسراء و 27 فتح - مَسْجِدًا دو بار در آیات 107 توبه و 21 کهف - الْمَسْجِدِ چهارده بار در آیات 144، 149، 150، 191، 196 و 217 بقره، 2 مائده، 34 انفال، 7 و 19 توبه، 1 اسراء (دو بار)، 25 حج و 25 فتح - مَسْجِدٍ دو بار در آیات 29 و 31 اعراف و مَسْجِدٌ یک بار در آیه 108 توبه] و کلمه مساجد که جمع مسجد است 6 بار به کار رفته است. مَسَاجِدَ سه بار در آیات 114 بقره، 17 و 18 توبه - الْمَسَاجِدَ یک بار در آیه 18 جن، الْمَسَاجِدِ یک بار در آیه 187 بقره و مَسَاجِدُ یک بار در آیه 40 حج].

مسجد باید پایگاه اخلاص باشد، نه ریا و شرک. [111]

درباره اهمیت بنای مسجد، احادیث فراوانی از طریق اهل بیت (علیهم السلام) و اهل سنت رسیده است که اهمیت فوق العاده این کار را نشان می دهد. از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل شده که چنین فرمود: «کسی که مسجدی بنا کند هر چند به اندازه لانه مرغی بوده باشد، خداوند خانه ای در بهشت برای او بنا خواهد ساخت.» در حدیث دیگری باز از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که: «کسی که چراغی در مسجدی برافروزد فرشتگان و حاملان عرش الهی مادام که نور آن چراغ در مسجد می تابد برای او استغفار می کنند.» ولی امروز آنچه بیشتر اهمیت دارد، عمران و آبادی معنوی مساجد است و به تعبیر دیگر بیش از آنچه به ساختن مسجد اهمیت می دهیم باید به ساختن افرادی که اهل مسجد و پاسداران مسجد و حافظان آنند اهمیت بدهیم. مسجد باید کانونی باشد برای هر گونه حرکت و جنبش سازنده اسلامی در زمینه آگاهی و بیداری مردم و پاکسازی محیط و آماده ساختن مسلمانان برای دفاع از میراث های اسلام! مخصوصاً باید توجه داشت: مسجد، مرکزی برای جوانان با ایمان گردد، نه این که تنها مرکز بازنشستگان و از کار افتادگان شود. مسجد باید کانونی برای فعال ترین قشرهای اجتماع باشد، نه مرکز افراد بیکاره و بی حال و خواب آلوده ها! [112]

اولین کار رسول خدا پس از هجرت به مدینه ساختن مسجد بود. هنگامی که مردم یثرب، از مهاجران استقبال شایانی به عمل آوردند و آنها را با آغوش باز پذیرفتند و یثرب را به «مدینه النبی» و «مدینه الرسول» تغییر نام دادند، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) برای پیشگیری و دوری از تفرقه، میان مهاجران و انصار که حدود سیصد نفر

بودند، دو به دو عقد اخوت و برادری جاری کردند و مسجد قبا را پایه گذاری کردند و در حقیقت اولین اقدام پیامبر پس از هجرت به مدینه، ساختن مسجد قبا بود. [113]

یکی از مهم ترین مباحث مربوط به مساجد اقامه نماز جماعت می باشد. در تفسیر عبارت «أَقِمُوا وُجُوهَكُمْ» تفسیرهای گوناگونی صورت گرفته است. تفسیری که با بحث ما مناسب است، شرکت در مساجد به هنگام نمازهای روزانه است. برخی دیگر از تفاسیر این عبارت در آیه ای که در ابتدای بحث نماز در مساجد مطرح شد عبارتند از: توجه به قبله به هنگام نماز، حضور قلب و نیت خالص به هنگام عبادت، و توجه به خداوند و مبارزه با هر گونه شرک و توجه به غیر خدا که این تفسیر آخر در مورد عبارت ذکر شده نیز بسیار قابل توجه می باشد. [114]

در مورد شرکت در مساجد احادیث زیادی وارد شده است که به یک مورد آن اکتفا می کنیم: امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «بر شما باد به رفتن مساجد، زیرا مساجد خانه های خدا روی زمین اند، هر که پاکیزه وارد آن ها شود، خداوند او را از گناهانش پاک می کند و او را در زمره زائران خودش می نویسد. پس در مساجد بسیار نماز و دعا بخوانید.» [115]

در اهمیت نماز جماعت همین بس که در جبهه جنگ با دشمن، حتی با یک رکعت هم بر پا می شود و این نشان دهنده عشق به هدف و خدا و رهبر و پابندی به ارزش هاست. [116]

در آیه 102 سوره نساء می خوانیم: ای پیامبر هر گاه در میان رزمندگان بودی نماز به پا دار، ولی چون دشمن مسلح در برابر شماست، اولاً همه به تو اقتدا نکنند. ثانیاً کسانی که اقتدا می کنند مسلح باشند و رکعت دوم را برای خودشان سریع تمام کرده و بروند جای دسته دیگر و

آن دسته دیگر در رکعت دوم به تو اقتدا کنند که هم جماعت تعطیل نشود و هم از دشمن غفلت نشود و هم میان سربازان اسلام تبعیض نشود. مسلمانان باید در تعویض شیفت و جابجا شدن نیروها چنان سریع عمل کنند که به رکعت دوم برسند. ضمناً باید سربازان قبل از نماز با وضو باشند و احکام نماز در حال جنگ را بدانند و اینکه در صحنه جنگ، نماز دو رکعتی است. این آیه قابل تبدیل به یک فیلم نامه بسیار زیباست، که در آن اهمیت نماز جماعت و سرعت کار و عدالت و رفع تبعیض و توجه به خدا همراه با غفلت نکردن از دشمن مطرح است. [117]

در آیه 43 سوره بقره، خداوند مسلمانان را ابتدا به پرپائی نماز دستور می دهد، زیرا که نماز مهم ترین پیوند انسان با خداست و به دنبال آن دستور به اداء زکات می دهد زیرا که زکات مهم ترین پیوند انسان با خلق خداست و آنگاه دستور می دهد که نماز را به بهترین و زیباترین نوعش یعنی جماعت برگزار نمایند. این آیه شریفه اهمیت و فضیلت نماز جماعت را بیان می نماید و دلیل قرآنی برای اقامه نمازهای یومیه به جماعت است. [118]

نماز جماعت پاداشی بسیار، برکات فراوان و فواید فردی و آثار اجتماعی بسیار دارد. شکوه مسلمانان و موحدان را می رساند. ذوب شدن «فرد» در «جمع» در یک عبادت توحیدی است. مقدمه وحدت و عامل تقویت روح برادری است. نماز جماعت، زمینه شناخت افراد و مشکلات و نیازهای آنان است. نماز جماعت، بهترین و بیشترین و پاک ترین و کم خرج ترین اجتماعات دنیاست. خار چشم دشمنان اسلام است. عامل نظم، وحدت صفوف، وقت شناسی و مبارزه با فردگرایی و خود خواهی است. موجب شسته شدن کینه ها و کدورت ها و پیدایش روحیه اخوت

دینی است. مستحب است انسان صبر کند تا نماز را به جماعت بخواند. نماز به جماعت، از نماز اول وقت فردا با فضیلت تر است و پاداش جماعت، هر چند مختصر و کوتاه برگزار شود از نماز فرادی که طولانی بخوانند بیشتر است. (به رساله های علمیه مراجع تقلید مراجعه شود) در حدیث آمده است: هر گاه عدد نمازگزاران در نماز جماعت، از ده نفر بیشتر شود، پاداشی نصیب نمازگزاران می شود که قابل بیان و شماره نیست. در نماز جماعت، باید فردی عادل و متقی و شایسته، امام جماعت شود و دیگران به او اقتدا کنند. این شرط، هم ملاک بودن تقوا و عدالت را بیان می کند و هم تبعیت از پیشگامان در صلاح و پاکی را می آموزد. تحقیر نماز جماعت، تحقیر دین و تعظیم آن، بزرگداشت فرمان پروردگار است. آنکه برای شرکت در نماز جماعت، از خانه بیرون می رود، یا در مسجد به انتظار برپایی نماز جماعت به سر می برد، در طول این مدت پاداش پرداختن به نماز را می گیرد. در حدیث آمده است: هر که نماز جماعت را دوست بدارد، خدا هم او را دوست می دارد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: صف های جماعت، همچون صفوف فرشتگان در آسمان چهارم است. [119]

ابوعلی سینا نامه ای به استادش (ابوسعید ابوالخیر) نوشت و از او سؤال کرد که آقا چه اصراریه که نمازمان را به جماعت بخوانیم؟ ابوسعید در جواب نوشت: اگر در اتاقی یک چراغ روشن باشد، با وزیدن باد خاموش خواهد شد؛ اما اگر تعداد چراغ ها زیاد باشد چطور؟ گاهی در نماز حواس انسان پرت می شود، اما اگر چند نفری حضور قلب داشته باشند، خداوند به برکت همان چند نفر، نماز بقیه را هم قبول می نماید. [120]

با جستجو در آیات قرآن کریم در می یابیم خداوند متعال در چهار مورد کلمه محراب را به کار برده است [آیات 27 و 39 آل عمران، 11 مریم و 21 ص].

به مکان امام جماعت در مسجد، محراب گفته می شود. به تمام مسجد نیز محراب می گویند. گفته اند که این کلمه از «حَرَب» به معنای جنگیدن گرفته شده است؛ زیرا انسان مؤمن در محراب، با نماز و عبادت خدا با شیطان و نفس سرکش می جنگند. [121]

چون نماز جماعت، نشانه ای از یک تجمیع دینی و اقتدا به یک پیشوا است، پس باید خوب ترین انسان ها و پاک ترین افراد، به امامت جماعت پردازند. امام جماعت باید کسی باشد که به دیانت و تعهدش ایمان داشته باشیم. افراد گنهکار و سفیه، نمی توانند پیش نماز شوند. در حدیث آمده است: «فَقَدِّمُوا أَفْضَلَكُمْ» «برترین های تان را پیش نماز کنید.» امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«امام جماعت باید از افراد اندیشمند و صاحب فکر باشد.» وقتی صفت عدالت و پاکی تعهد، از شرایط امام جماعت باشد، روشن است که جامعه و جمع اقتدا کننده را نیز در این مسیر حرکت می دهد و ملاک های تقدم در کارها و مسئولیت ها، همین ها می شود. عدالت یک حالت درونی است که انسان را از ارتکاب گناهان کبیره یا تکرار و اصرار بر گناهان صغیره باز دارد.» [122]

اقتدا کردن به افراد ناشناخته و آنان که در دین یا امامت، غلو می کنند نهی شده است. [123]

بر پایه روایاتی، شایسته است امام جماعت مواردی را رعایت کند مانند:

1) نماز را طول ندهد و حال ناتوان ترین مأمومان را در نظر داشته باشد؛

2) به استثنای قرائت حمد و سوره در نمازهای ظهر و عصر، به گونه ای قرائت کند که نمازگزاران صدای او را بشنوند؛

3) دعاهایش اختصاص به خود نداشته باشد و همه را دعا کند؛

4) در حال رکوع اگر احساس کرد کسی می خواهد به او اقتدا کند، دو برابر زمان رکوع خود، صبر کند؛

5) تا مأمومان دیر به جماعت پیوسته نمازشان را تمام نکرده اند از جا بر نخیزد.

از طرفی مأموم نیز شایسته است اموری را رعایت نماید مانند:

1) انتخاب صف اول در صورتی که مزاحمتی برای دیگران نباشد؛

2) مقدم داشتن افراد با فضیلت؛

3) انتخاب سمت راست صف ها؛

4) تکمیل کردن صف ها به ترتیب؛

5) تنظیم دقیق صف ها و پر کردن فاصله ها؛

6) رعایت کردن سکوت هنگام قرائت امام؛

7) دنباله روی کامل از امام در حرکات نماز. [124]

خداوند متعال در آیه 18 سوره توبه می فرماید: «مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده، و نماز را بر پا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد. امید می رود آن ها از هدایت یافتگان باشند.»

شاید بتوان گفت مهمترین شیوه آبادانی مساجد، حضور در آن ها باشد. ابوذر نقل می کند: «نیم روزی نزد پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) رفتم و گفتم: ای پیامبر خدا! پدر و مادرم فدایت! مرا سفارشی کن که

خداوند با آن مرا سود بخشید. فرمود: ... ای ابوذر، هر که به فراخوان خدا پاسخ دهد و آبادانی مسجدهای خدا را نیکو به انجام رساند، پاداش او از سوی خدا، بهشت خواهد بود. گفتم: پدر و مادرم فدایت! ای پیامبر خدا! مسجدهای خدا چگونه آباد می شوند؟ فرمود: در آن ها صدا بلند نمی گردد، در آنها در بیهودگی غوطه ور نشوند و در آنها خرید و فروش صورت نپذیرد، تا زمانی که در مسجد هستی، کارهای بیهوده را رها ساز. اگر چنین نکردی، در روز قیامت، جز خویشتن را ملامت مکن.» [125]

نشستن در مسجد نیز آدابی دارد از آداب آن این است که انسان رو به قبله باشد. دیگر اینکه اگر فردی بخواهد در کنار انسان بنشیند برای او جا باز کند. روایت شده است که مردی وارد مسجد شد، در حالی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تنها در مسجد نشسته بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای او جا باز کرد، آن مرد گفت: مکان وسیع است ای رسول خدا! پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: از حق مسلمان بر مسلمان این است که هر گاه ببیند بردار مسلمانش می خواهد پهلوی او بنشیند، برای او جا باز کند. از آداب دیگر نشستن در مسجد، انتظار نماز کشیدن است البته مادامی که حَدَثی از انسان سر نزنند. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال شد حَدَث چیست؟ حضرت فرمودند: غیبت کردن است. کسی که در مسجد بنشیند با خدای خود نشسته است از این رو، حق این است که جز سخن خیر نگوید [126].

در عصر حاضر مسجد نمونه باید چگونه باشد؟ در سند چشم انداز بیست ساله توسعه چنین آمده است: «مسجد نهادی است فعال، اثر گذار و مسئولیت پذیر در صحنه تعاملات فرهنگی و برخوردار از روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، توانا، پویا، کارآمد و توانمند در ترویج آموزش و تبلیغ اسلامی با بهره مندی از حضور و مشارکت مردمی و

حمایت دستگاه های فرهنگی و اجرایی و متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و بر اساس تعالیم عالیه اسلامی و...» در همین سند درباره ویژگی های مساجد این گونه نوشته شده است: در افق چشم انداز کشور، مساجد از نظر وضعیت باید دارای ویژگی های زیر باشند:

- برخوردار از تشکیلات مدیریت کلان و یک پارچه در کل کشور؛

- رشد یافته و دارای ساختار متناسب و کارآمد در عرصه مأموریت ها و توانمند در جذب و جلب اقشار مختلف مردم و مؤثر در عرصه نشر و گسترش اسلام ناب محمدی (ص)؛

- دارای حضور مؤثر در عرصه تصمیم سازی و تصمیم گیری فرهنگی کشور؛

- برخوردار از دانش پیشرفته کارشناسان و صاحب نظران عرصه های مرتبط با فعالیت و رسالت مساجد؛

- توانا در ایجاد انگیزه های مذهبی و توجه دادن نسبت به رخدادهای مرتبط با جهان اسلام؛

- توانا در فراخوانی مؤثر مردمی و بسیج افکار عمومی در ترویج امر به معروف و نهی از منکر؛

- برخوردار از شبکه ارتباط قوی و نظام کارآمد اطلاع گیری و اطلاع رسانی و برقراری ارتباطات مردمی؛

- برخوردار از توانایی های رشد یافته، روزآمد و کارآمد با بهره گیری از فناوری های نو در راستای مأموریت، رسالت و ادای وظایف

- از نظر ظاهری شکیل، زیبا، نظیف و معطر با ساختمان و تجهیزاتی کامل بر اساس استانداردها و معیارهای قرآنی - روایی با رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمن سازی بناهای مساجد و استحکام ساخت و سازها و بازآفرینی و روزآمد سازی معماری ایرانی - اسلامی و هویت

بخشی به سیمای شهری اصیل مساجد متناسب با شأن نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگ و قهرمان ایران و برابر نظام مهندسی کشور؛

- اقامه سه وقت نماز، باز بودن درب در همه اوقات، برقراری کلاس آموزش قرآن و معارف دینی، مجهز به کتابخانه و رایانه برای نشر علوم اسلامی و بدون ایجاد مزاحمت برای همسایگان؛

- برخوردار از ائمه جماعتی عالم، اندیشمند، پارسا، آشنا به فنون مشاوره و مدیریت و دارای ارتباطات مردمی گسترده؛

- دارای کارگزارانی مدیر، مدبر، پارسا، آزموده، مجرب و توانا. [127]

در پایان این مبحث نگاهی بسیار مختصر به مهمترین مساجد جهان اسلام خواهیم داشت:

- مسجد الحرام

قرآن کریم در آیه 96 سوره آل عمران می فرماید: «نخستین خانه ای که برای مردم (و نیایش خداوند) بنا نهاده شد، همان است که در سرزمین مکه است. که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است.»

کعبه قبله مسلمانان جهان در این مسجد قرار دارد. اگر کعبه به عنوان قبله مسلمانان انتخاب شده است جای تعجب نیست؛ زیرا این نخستین خانه توحید است، و بی سابقه ترین معبدی است که در روی زمین وجود دارد. هیچ مرکزی پیش از آن، مرکز نیایش و پرستش پروردگار نبوده است. خانه ای است که برای مردم و به سود جامعه بشریت در نقطه ای که مرکز اجتماع و محلی پر برکت است ساخته شده است. تاریخ و منابع اسلامی هم به ما می گوید: خانه کعبه به دست آدم (علیه السلام) ساخته شد، در طوفان نوح (علیه السلام) آسیب دید و به وسیله ابراهیم خلیل (علیه السلام) تجدید بنا گردید. بنابراین، انتخاب پر سابقه ترین خانه توحید برای قبله از هر نقطه دیگری شایسته تر است.

جالب توجه این که در این آیه خانه کعبه که نام دیگرش بیت الله است به عنوان خانه مردم معرفی شده، این تعبیر بیان کننده این حقیقت است که: آنچه به نام خدا و برای خداست باید در خدمت مردم و بندگان او باشد، و آنچه در خدمت مردم و بندگان خدا است برای خدا محسوب می شود. موضوع دیگری که توجه به آن در اینجا لازم است این است که آیه فوق می گوید: این نخستین خانه ای بوده که برای مردم ساخته شده است. روشن است که منظور نخستین خانه عبادت و پرستش می باشد. [128]

- مسجد النبی

احادیث زیادی در فضیلت نماز در این مسجد وارد شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «یک نماز در مسجد من، نزد خداوند برابر با ده هزار نماز در سایر مساجد است، مگر مسجد الحرام؛ زیرا نماز در آن برابر با صد هزار نماز است.» [129]

طبق نظر برخی از علمای شیعه احتمال دارد قبر شریف و نورانی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) جایی در مسجد النبی کنونی باشد. [130]

- مسجد الاقصی

«پاک و منزّه است آن کسی که بنده اش را در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پر برکت ساخته ایم - برد، تا برخی از نشانه های خود را به او ارائه دهیم. چراکه او شنوا و بیناست.» [131]

این مسجد در شهر بیت المقدس واقع در فلسطین اشغالی قرار دارد و نخستین قبله مسلمانان است. خیلی ها این مسجد را با مسجد قبة الصخره که دارای گنبدی بزرگ و طلایی رنگ است اشتباه می گیرند.

این گنبد طلایی بر روی صخره مقدسی قرار دارد که برای ادیان ابراهیمی مقدس است و طبق روایات، حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از روی این صخره به معراج رفته است.

بر طبق باور یهودیان بقایای معبد سلیمان زیر مسجد الاقصی قرار دارد و به همین دلیل حفاری هایی زیر این مسجد توسط آن ها صورت گرفته است. در سال 1969 میلادی این مسجد توسط صهیونیست ها به آتش کشیده شد و به همین دلیل، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، 31 مرداد را روز جهانی مسجد نام گذاری کرد.

- مسجد قبا

این مسجد اولین مسجدی است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) پس از هجرت به مدینه در این شهر بنا کرد و در آیه 108 سوره توبه به این مسجد اشاره شده است. در این آیه از این مسجد، به مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده است، نام برده شده است.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) وارد شده است که: «منظور از این مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده است، مسجد قبا می باشد. [132]

- مسجد کوفه

این مسجد در کشور عراق و در شهر کوفه واقع شده است. حضرت علی (علیه السلام) در محراب این مسجد به شهادت رسیدند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: « هنگامی که در شب معراج مرا به آسمان بردند، مسجد کوفه را نشانم دادند. گفتم: ای جبرئیل! این چیست؟ گفت: مسجدی بسیار مبارک و پر خیر و برکت است که خداوند آن را برای اهل خود برگزیده است و آن مسجد، در روز قیامت، برای آنان شفاعت خواهد کرد. » [133]

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «چهار مکان از قصرهای بهشتی در دنیایند: مسجد الحرام، مسجد النبی (ص)، مسجد بیت المقدس (مسجد الاقصی) و مسجد کوفه. [134]

- مسجد سَهْلَه

این مسجد نیز در شهر کوفه و به فاصله تقریباً نزدیکی تا مسجد کوفه قرار دارد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «هیچ گرفتاری نیست که به مسجد سهله در آید و میان نماز مغرب و عشاء، در آن دو رکعت نماز بگذارد و خدا را بخواند، جز آن که خداوند در گرفتاری وی، گشایشی پدید آورد.» [135]

- مسجد خَیْف

این مسجد در مِنا واقع شده است و از آن جهت خَیْف نام گذاری شده است زیرا در سطحی مرتفع نسبت به دره واقع شده است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «در مسجد خیف، هفتاد پیامبر از جمله موسی (علیه السلام) به نماز ایستاده است.» [136]

- مسجد غَدِیر

این مسجد در غَدِیر خُم محل به امامت رسیدن حضرت علی (علیه السلام) واقع می باشد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: نماز خواندن در مسجد غدیر، مستحب است؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) امیر مؤمنان را در آن به امامت نصب کرد و آن همان مکانی است که خدای عز و جل حق را در آن آشکار ساخت. [137]

- مسجد فَضِیح

مسجدی تقریباً نزدیک به مسجد قُبا در شهر مدینه می باشد. زمانی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) قبیله بنی نضیر را محاصره کرد شش شب در این مسجد نماز خواند و هنگامی که شراب حرام شد ... بند مَشک ها را گشودند و شراب ها را در آن جا ریختند و از این رو این مسجد فضیح نامیده شد.

(فضیح یعنی شراب خرما). بنا به روایتی در همین مسجد، خورشید برای امیر مؤمنان علی (علیه السلام) برگشت و به همین دلیل به مسجد رَدّ الشمس هم معروف می باشد. [138]

- مسجدی که هزار در دارد

هر گاه حضرت امام عصر (عج) قیام کند، در پشت کوفه، مسجدی می سازد که هزار در دارد و خانه های مردم کوفه به دو نهر کربلا می پیوندد. [139]

- مسجد جامع قم

در اوایل قرن سوم هجری، پس از رحلت حضرت معصومه (سلام الله علیها)، قم رو به آبادانی نهاد و لازم آمد که مسجدی جامع مناسب با وسعت شهر بنا شود. از این رو در سال 265 ه. ق نخستین مسجد جامع قم شکل گرفت. مسجد جامع با 4200 متر مربع مساحت و زیر بنای 2970 متر مربع بزرگترین مسجد استان قم در طول قرن ها بوده است. [140]

- مسجد جمکران

این مسجد در شهر مقدس قم واقع می باشد و از جمله امکاناتی است که همواره مورد توجه مخصوص امام زمان (عج) بوده است. نماز مخصوصی به نام نماز تحیت مسجد و همچنین نماز دیگری به نام نماز

امام عصر (عج) برای این مسجد وارد شده است که علاقه مندان می توانند به حواشی کتاب مفاتیح الجنان صفحه 467 مراجعه نمایند.

از دیگر مساجد معروف و مهم، مسجد صَعَصَعَه در کوفه، مسجد برانا در حوالی بغداد و مسجد حنانه در نجف اشرف می باشد.

اکنون که بحث نماز در مساجد به لطف خداوند متعال به اتمام رسید عصر روز ولادت سراسر نورانی امام رضا (علیه السلام) می باشد و از خداوند عاجزانه می خواهیم به برکت این روز ما را در زمره آباد کنندگان واقعی مساجد قرار دهد.

اقامه نماز اولین وظیفه حکومت اسلامی

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» [141]

«همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را بر پا می دارند و زکات می پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای زشت باز می دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.» [81]

خدا نکند فکر مدیر عامل ما فقط به سود دهی کارخانه و فکر دانشگاه ما پرورش متخصص و فکر دولت ما فقط تولید و توزیع باشد که اولین وظیفه مسئولان حکومت اسلامی اقامه نماز است هم با شرکت خودشان، هم با تشویق همه جانبه مردم. [142]

در اینجا فعل «أقاموا» استفاده شده است نه فعل «یقیمون» یعنی اقامه نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است.

حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقر زدایی و اصلاح جامعه. جامعه ای تحت حمایت خداوند است که این چهار ارزش محوری را داشته باشد: نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر. امر و نهی انسان زمانی در جامعه مؤثر است که اول به وظایف فردی خود عمل کنیم و اولین وظیفه هر فرد مؤمن اقامه نماز است. در 28 آیه قرآن، زکات در کنار نماز آمده است و این یعنی زکات، همتای ناگسستی نماز است. [143]

توصیفی که برای مؤمنین در آیه فوق به کار رفته است، توصیف مجموع است از جهت مجموعیت و به عبارت ساده تر؛ توصیف نوع مؤمنین است و کار به خود فرد آنان ندارد چون ممکن است فردی از آنان واجد این اوصاف نباشد و مراد از تمکین آنان در زمین این است که ایشان را در زمین نیرومند کند، به طوری که هر کاری را که بخواهند انجام دهند، هیچ مانعی یا مزاحمتی نتواند سد راه آنان شود. یکی از صفات آنان این است که اگر در زمین تمکنی پیدا کنند و در اختیار هر قسم زندگی که بخواهند و آزادی عمل پیدا کنند، در میان همه انواع و انحاء زندگی، یک زندگی صالح را اختیار می کنند و جامعه ای صالح را به وجود می آورند که در آن جامعه نماز به پا داشته و زکات داده می شود، امر به معروف و نهی از منکر انجام می گیرد. اگر از میان همه جهات عبادی، نماز و از میان همه جهات مالی، زکات را نام برده است بدین جهت است که این دو در باب خود عمده هستند. [144]

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» [145]

«و خانواده ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز ما از تو رزقی نمی طلبیم، ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای پرهیز کاری است.» [81]

در روایات متعددی آمده است که پس از نزول این آیه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا چندین ماه درب خانه حضرت علی و حضرت فاطمه (علیهما السلام) را می زدند و در آستانه در می فرمودند: «الصلاة» آنگاه به قرائت آیه تطهیر می پرداختند. هرگاه وضع زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تنگ می شد، این آیه را تلاوت می فرمود، آنگاه به افراد خانه دستور می دادند تا نماز بخوانند. «اصْطَبِرْ عَلَيْهَا» یعنی هم در انجام نماز و هم در امر به آن تأکید و پایداری کن. فرمان به نماز از میان سایر واجبات، رمز بیمه شدن اعضای خانواده است. انسان نسبت به سرنوشت فکری و دینی خانواده خود مسئول است و تنها رعایت امور مادی آنان کافی نیست. موضوع نماز در خانواده دارای اهمیت خاصی است، باید والدین بر آن اصرار کنند و برای عدم وابستگی به زرق و برق دنیا، باید به نماز پناهنده شویم. [146]

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» [147]

«ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است، حفظ کنید. بر آن فرشتگانی خشن و سخت گیر گذارده

شده اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی کنند، و آنچه را به آن مامورند، همواره انجام می دهند.» [81]

نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم، تربیت، امر به معروف نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است. این برنامه ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد و در تمام مراحل با برنامه ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. به تعبیر دیگر، حق زن و فرزند تنها با تامین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آن ها حاصل نمی شود، مهم تر از آن تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است. قابل توجه این که تعبیر به «قُوا» (نگاه دارید) اشاره به این است که، اگر آن ها را به حال خود رها کنید، خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می روند، شما هستید که باید آن ها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید. [148]

کلمه «قُوا» جمع امر حاضر از مصدر «وقایه» است و «وقایه» به معنای حفظ کردن چیزی است از هر خطری که به آن صدمه بزند و برایش مضر باشد و کلمه «وقود» به فتح واو اسم هر چیزی است که با آن آتش را بگیرانند، چه آتش هیزم و چه مانند آن، و مراد از کلمه «نار» آتش است و اگر انسان های معذب در آتش دوزخ را آتش گیرانه دوزخ خوانده، بدین جهت است که شعله گرفتن مردم در آتش دوزخ با دست خود آنان است. [149]

در روایتی می خوانیم: «رحمت خدا بر کسی که به خانواده اش هشدار دهد که مراقب نماز و روزه و زکات و فقرا و یتام و همسایگانتان باشید.»

مسئولیت انسان در برابر خانواده در آیات متعددی از قرآن کریم ذکر شده است از جمله:

«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»

«خود و خانواده خود را از آتش نجات دهید.» (آیه 6 تحریم)

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»

«اهل خود را به نماز فرمان ده و بر آن پایداری کن.» (آیه 132 طه)

«وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»

«نزدیک ترین بستگانت را هشدار ده.» (آیه 214 شعراء)

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

«فرزندم! نماز به پادار و امر به معروف کن.» (آیه 17 لقمان)

«قُلْ لِّأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ»

«ای پیامبر! به زنان و دختران خود و سپس به زنان مؤمنان بگو...» (آیه 59 احزاب)

«إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»

«زیانکاران واقعی کسانی هستند که خود و خانواده شان در قیامت باخته اند.» (آیه 15 زمر)

«قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ»

مردان خدا در مورد خانواده دغدغه دارند و بی تفاوت نیستند.» (آیه 26 طور)

«وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ»

پیامبر همواره خانواده اش را به نماز سفارش می کرد. (آیه 55 مریم)

در روایات نیز توجه بسیاری به این موضوع شده که چند نمونه ای ذکر می شود: امام علی (علیه السلام) می فرماید: «به خود و خانواده تان خیر بیاموزید و آنان را ادب کنید.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «همه شما نسبت به زیر دست خود مسئول هستید. مرد مسئول خانواده اش، زن مسئول شوهر و فرزندش است.» و باز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «همین که فرزندان به هفت سالگی رسید، آنان را به نماز فرمان دهید و همین که نه ساله شدند سخت گیری تا مرز تنبیه بدنی مانعی ندارد و بستر و رختخواب آنان را در ده سالگی جدا کنید.» [150]

در امر به معروف و توصیه به نماز باید از نزدیکان شروع کنیم و ارشاد و توصیه به نماز باید دائمی باشد. نماز (ارتباط با خالق) و زکات (ارتباط با مخلوق)، از هم جدا نیست. (عبادت بدنی به تنهایی شرط کمال نیست.) با اینکه سفارش به نماز در خانواده ها کم و بیش هست، اما سفارش به زکات نیست. [151]

تاکنون حدود دو هزار جلد کتاب و یا شاید بیشتر درباره نماز نوشته شده است ولی هنوز بی توجهی به نماز به وفور دیده می شود. حتی برخی از کسانی که مذهبی هستند در نماز خود سهل انگارند و به نماز اول وقت اهمیت نمی دهند. نماز صبح برخی از نماز خوان ها هنوز قضا می شود. به راستی چرا؟ بحث خود بنده در اکثر حلقه های صالحین که در مساجد و بُقاع متبرکه برگزار می شود بر روی اهمیت نماز می باشد ولی اثر آن را موقتی مشاهده می کنم. بنده دلیل اصلی آن را خانواده می دانم. وقتی پدر و مادر به نمازهای خود اهمیت ویژه بدهند فرزند این موضوع را متوجه می شود و نماز برای او در رأس امور قرار می گیرد. اگر انسان از کودکی نماز خوان شد این موضوع به احتمال زیاد تا آخر عمر

او برقرار است و گرنه کار خیلی سخت می شود. انسان در دوران کودکی مثل خمیر بازی است هر طور که شکل گرفت بعد از مدتی دیگر تغییر سخت است. خانواده های زیادی هستند که برای تضمین آینده مادی فرزندان خود، هزینه های زیادی را متحمل می شوند ولی توجه زیادی به زندگی ابدی و مسائل آخرتی فرزند خود ندارند. به راستی آیا موضوع نماز که اینقدر مورد سفارش خداوند تبارک که انسان را خلق کرده و به خوبی از نیازهای او آگاهی دارد ارزش توجه بیش از حد والدین ندارد؟!

در ادامه مباحثی را از برخی مقالات که در این زمینه نگارش شده را بیان می کنیم.

کودک به چه کسی گفته می شود؟ به آن کسی که حیات اتکائی دارد تحت نفوذ القاء و تلقین است. رنگ پذیر و در مسیر تشکیل شخصیت است. کودکی شامل مرز سنی ولادت تا پایان 11 سالگی است که خود شامل چهار مرحله است. این مراحل عبارتند از:

کودکی اول: شامل ولادت تا 3 سالگی است که از نظر علمی دوران پرستاری خوانده می شود.

کودکی دوم: شامل 4 تا 7 سالگی است که دوران کنجکاوی و سیل اطلاعات است.

کودکی سوم: شامل 7 تا 9 سالگی است که دوران تفکر منطقی و رسیدن به کشف علّت و معلول است.

کودکی چهارم: شامل مرز سنی 9 تا 11 سالگی است که دوران برهان پذیری است.

در دوران پرستاری که شامل سن ولادت تا پایان سه سالگی است، چهار نکته مطرح است و از همین جا پایه تربیت کودک برای نماز گذاشته می شود.

نخستین نکته این است که حیات کودک در بعد روانی دارای جنبه انفعالی است نه جنبه فعال.

نکته دوم: او شدیداً تلقین پذیر است.

نکته سوم: حواس او نقش اساسی بازی می کنند. چشم کودک نقش یک دوربین عکاسی را ایفا می کند که همه صحنه ها و برنامه هایی را که می بیند عکس بر می دارد، این عکس ها در پس ذهن نگهداری می شود هر چند که امروز برای او مفهوم نباشند. گوش کودک نقش یک دستگاه ضبط صوت را ایفا می کند که آنچه را می شنود ضبط می کند، اگر چه این صدا برایش مفهوم نباشد.

نکته چهارم: کودک در این مرحله تقلیدگر است. ادای بسیاری از حالات و رفتار و صداها را در می آورد و بر این اساس اعمال عبادی والدین، خم و راست شدن پدر و مادر در حضور کودک، ذکر نماز و دیگر جنبه هایش توجه بچه ها را جلب می کند.

در مرحله کودکی دوم یعنی 4 تا 7 سالگی، روان شناسان خصایصی را برای بچه ها ذکر کرده اند. این دوران را دوران کنجکاوی شدید گفته اند. این مرحله، مرحله گیرندگی شدید و دوران صید اطلاعات است. مرحله عشق و محبت است. مرحله احساس اطمینان است. بچه حفظ می کند. آموخته ها را عمل می کند. حیات، صورت فعال به خود می گیرد. بچه با تمام قوا در حرکت است. الگو و مدل در او شدیداً مؤثر است. در اواخر این دوره بیداری وجدان و میل به همانند سازی در کودک قوی است. دوست دارد مثل پدر و یا مادر باشد. پس اگر والدین اهل عبادت و نماز باشند، او هم نماز می خواند و اگر آن ها تارک الصلوة باشند او هم چنین می شود. میل به مذهب در این دوره است که در کودک زنده می شود و دوست دارد نماز بخواند و حتی اصرار دارد روزه

بگیرد و این خود پلی برای ورود به دنیای نماز است، به شرطی که والدین الگوی درستی باشند.

در کودکی سوم یعنی 7 تا 9 سالگی تشویق ها و تهدیدها شدیداً در او مؤثر است. در این مرحله از عمر یعنی سن 7 تا 9 سالگی شوق مذهبی همچنان رو به تزاید است. او به مرحله تفکر منطقی می رسد و به مرحله درک روابط علت و معلول (البته در حد خود.) نوعی جهش معنوی را در این سن در بچه ها می بینیم. در سنین 6 تا 8 سالگی بچه با خدایش در خلوت حرف می زند، از او درخواست می کند؛ از خدا توقع بهشت می کند، حتی دعا می کند بهشتی شود. دعا می کند پدر و مادرش بهشتی شوند. در این مرحله اگر شرایط محیطی مساعد باشد بچه متدین تر می شود. در این دوره نوعی از ترس از خدا و ترس از نافرمانی در بچه به وجود می آید. با استفاده از این زمینه می شود از بچه ها درخواست نماز داشت.

در کودکی چهارم که بین 9 تا 11 سالگی است، حیات جنبه عقلانی پیدا می کند و برهان و استدلال دیگران بچه را قانع می کند. می تواند نماز را باور کند و البته به طمع بهشت نماز می خواند. در پایان 9 سالگی بر اساس شرایط رشد، معرفتی نسبت به مذهب پدید می آید که جزء شرایط فطری و بیداری فطرت است. قادر به جذب آگاهی های دینی است و به همین دلیل به هر میزانی که می شود باید دین را در این مرحله به بچه تزریق کرد. رفتار و عمل والدین در مذهب جداً در بچه مؤثر است. شور مذهبی در سن 9 تا 11 سالگی در بچه بوجود می آید که گاهی می تواند با شعور پیامیزد، به شرطی که مربی، مربی با شعوری باشد. وضع عبادت و نمازش به گذشته اش وصل است که والدین چگونه عمل کردند و چه عاداتی در او پدید آوردند. اگر از این سن، تازه

بخواهیم برای نماز خواندن تصمیم بگیریم، اندکی دیر است، ولی باز هم جای امیدواری است. تا سنین قبل از دوازده می شود اقداماتی در نماز خوان کردن بچه ها داشت و نتیجه گرفت، ولی پس از آن دشوار است و پس از گذشت مدت طولانی محال می شود. این نکته را به عنوان یک اصل تربیتی فراموش نکنیم که رابطه ای معکوس بین سن و تربیت پذیری وجود دارد. هر چه سن کمتر، تربیت پذیری بیشتر است. علت اینکه بچه ها در خردسالی تربیت پذیرترند، بعد انفعالی در آن هاست.

از طرفی فرستنده پیام یا همان پدر و مادر، معلم و مربی و یا روحانی باید واجد شرایطی باشد که این شرایط در التقاء مؤثر است. چهار شرط عمده عبارتند از:

(1) آگاهی و معرفت دربارهٔ مذهب و فلسفه آفرینش، دربارهٔ کودک و شرایط روانی اش و درباره وظایف نسبت به خود و خدا و به نسل، دربارهٔ شرایط جامعه و محیط. هر مقدار فساد را در جامعه بیشتر می بینیم، خانه را باید قوی تر کنیم.

(2) موفقیت والدین و مربیان، ایمان و باور داشتن است؛ یک باور راستین و عمیق.

(3) شرط سوم عمل است که عمل خود مزدوج آگاهی و ایمان است، اصولاً اسلام دین عمل است، دین الگوست. دعا کننده بدون عمل همچون تیرانداز بدون کمان است. بر این اساس مربی باید الگوی عملی آن تزی باشد که از آن دفاع می کند.

(4) نکته چهارم شرایط مربی، شرایط نفوذی اوست. در شرایط نفوذ کردن مربی در کودک چند نکته را باید در نظر داشته باشیم.

یک) سنخیت الگو با کودک

دو) محبوب و مورد احترام بودن کودک: به عنوان مثال پدری که بچه از او متنفر است، نمی تواند بچه را به نماز خوانی وادار کند. آن روحانی که بچه علاقه ای به او ندارد، بچه از نماز او هم متنفر است. کودکان و جوانان در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیش از شیوخ به پیامبر روی آوردند.

امروز اثبات شده است که تشعشعات روانی در ایجاد جاذبه و نفوذ مؤثر است. روح و جوّ روحی یک فرد مؤثر است. به عنوان مثال کسی که خود عامل است، اهل عبادت باشد، با وضو سخنرانی کند و یا مطلبی را نگارش کند و ... این خیلی مؤثر است. علم امروز حمایت کرده که اینها مؤثر است.

خوب تا اینجا درباره گیرنده پیام نماز (کودک) و فرستنده این پیام (والدین و مربی) گفته شد. اکنون درباره کیفیت و شرایط القای این پیام مطالبی را عرض می کنیم. باید بدانیم که در یادگیری، حضور چند شرط ضروری است.

1) خواست و رغبت. چگونه می توان کودک را راغب به نماز کنیم؟ جاذب کردن صحنه نماز یک اصل است. خوشرویی فرستنده پیام برای دعوت به نماز یک اصل دیگر است.

حالات فرستنده پیام نیز مؤثر است. اگر پدر و مادر منتظر اذان باشند و وضو را با رعایت آداب آن بگیرند، رو به قبله بایستند، لحن قرائت ها، صورت و جاندار بودن عبادت ها در جان کودک نفوذ می کند.

2) آمادگی و توانستن کودک. آمادگی جسمی کودک را در نظر بگیریم. آمادگی روانی و عاطفی اش را، بچه ای که چرت می زند، این ساعت نمی شود او را به نماز وادار کرد. بچه ای که گرسنه است نمی شود به او بگوییم اول نماز بخوان تا بعد به تو غذا بدهم.

3) آزادی در عمل کودک. بچه نباید احساس جبر کند. حتی اگر در وسط نماز به دنبال بازی رفت بازخواست نشود یا از عمل عبادی احساس سنگینی نکند.

4) تکرار. طبیعت کودک، طبیعت تکرار است. طبیعت آفرینش هم همین است. تکرار فصل ها و یا شب و روز نمونه ای از این تکرار است. گاهی تکرار عامل سرگرمی کودک است، گاهی این مساله باعث تفریح و شادابی اوست. بچه از مکررات خسته نمی شود، قرائت مکرر، ذکر مکرر، مخصوصاً اگر به صورت آواز و صدا باشد.

5) رعایت ضوابط. یعنی آموزش مطالب سنگین در مورد نماز مثل تشکیکات نماز و یک خطای تعلیم و تربیت محسوب می شود. بچه در ضمن عمل به مرور باید این مطالب را بیاموزد.

6) تائید و تشویق. تشویق خصوصاً به صورت کلامی در روحیه کودک فوق العاده مؤثر است.

نکته مهمی که باید در نظر داشت این است که در هفت سال اول زندگی کودک فقط از لطف و محبت خداوند متعال گفته شود و از حدود سن هشت سالگی ذره ذره از خوف خدا، حسابرسی خدا و عقوبت خداوند تبارک سخن به میان آورده شود. در هفت سال اول زندگی کودک باید یک تزریق زیبا از مهر خداوند در جان و روح کودک انجام شود و نعمات الهی به شیوه بسیار دلنشینی برای کودک بیان شود و از هر گونه سماجت، اصرار و تهدید تا قبل از هشت سالگی پرهیز شود. [152]

آیا ماهی که در دریا زاده می شود نیازی دارد که آموزش شنا ببیند؟ فرزندی هم که در خانواده ای که لبریز از ذکر و یاد و صحبت خداست به دنیا می آید هیچ نیازی ندارد که آموزش ویژه برای نماز ببیند، چون از

همان لحظه میلاد در گوشش اذان و اقامه می گویند و او را به صلوة و فلاح و خیر العمل دعوت می کنند. در خانه ای که مشحون از ذکر خداست، فرزند در این ذکر پرورش پیدا می کند و دلی که با ذکر جلا ببیند هیچ وقت از خدای متعال نمی گریزد. انس با خدا را در ذکر با خدا پیدا می کند، دلش در ذکر خدا جلا پیدا می کند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: «خدا ذکر و یاد خودش را جلای دل ها قرار داده است.» خانه ای که در آن پدر سحرگاهان اذان می گوید، بچه ای که خوابیده با زمزمه خوش پدر بیدار می شود، خانه ای که در آن پدر نماز شب می خواند، خانه ای که در آن پدر به هنگام بین الطلوعین بیدار است و با زمزمه قرآن خانه را منور می کند، خانه ای که تمام اهل خانه متعهد به نمازند، متعهد به نماز جماعتند، متعهد به آداب دینی هستند، چگونه ممکن است فرزندی در این خانه پرورش پیدا کند و از نماز گریزان باشد. خداوند متعال در آیه 6 سوره تحریم می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و اهل خودتان را از آتش جهنم دور نگهدارید.» چطور اگر از یک راه باریکی بگذرید که پرتگاه باشد، بچه خودتان را به جان خودتان می چسبانید که مبادا در این پرتگاه بیفتد. کسی که گناه می کند، واجبات را ترک می کند، کسی که نماز نمی خواند، کسی که اعتنائی به نماز ندارد، در پرتگاه جهنم می افتد، پدر و مادر وظیفه دارند، این فرزندشان را نگه دارند و نگذارند بیفتد، نه تنها پدر و مادر، اولیای جامعه نیز وظیفه دارند. برای اینکه بچه هایمان را اهل نماز کنیم باید محبت خدا را در دلشان بیفشانیم، پرورش بدهیم تا از این بوته محبت، گل خوشبوی نماز بروید. بدون ریشه و بوته این گل نمی روید. خدای متعال به حضرت موسی (علیه السلام) فرمود: «یا موسی مرا پیش خلقم محبوب کن.» موسی (علیه السلام) فرمود: «خدایا چگونه تو را پیش

خلقت محبوب کنم؟» خداوند متعال فرمودند: «نعمت های مرا برایشان بشمار.» وقتی که نعمت های مرا دیدند مرا دوست خواهند داشت. وقتی که خدا را دوست داشتند، اهل نماز خواهند شد، چون نماز تواضعی است در مقابل خالق مهربان خالق که حاضر و ناظر است. وقتی که این فرزند بر اساس محبت خدا به نماز ایستاد، آن وقت نمازش معنا پیدا می کند، رکوعش معنا پیدا می کند سجودش معنا پیدا می کند، تکبیرش معنا پیدا می کند، آرام آرام با نماز انس می گیرد و پرده غفلت برای او کنار می رود. جوانی که وقتی آدم به ظاهرش نگاه می کند نمی فهمد که اهل نماز است، به من می گفت: وقتی که الله اکبر می گویم دیگر هیچ کسی جز خدا را نمی بینم و فقط یک عظمت بی پایان از جلوه خدا را می بینم.

خانه ها باید محیط ذکر خدا باشد تا این بچه ها نمازخوان بشوند و خانه هایی که این گونه هستند می بینند که فرزندان شان اهل نماز شب شده اند. خودشان بر می خیزند نماز شب می خوانند، بدون اینکه پدر در این طریق اصراری کرده باشد یا الزامی کرده باشد. [153]

بچه ها از هرکس محبت ببینند به او بیشتر توجه می کنند و به هر کس بیشتر توجه کنند، از او بیشتر یاد می گیرند بیشتر تقلید می کنند و با او بیشتر همانند سازی می کنند. به همین جهت همه رفتارها را بچه ها یاد می گیرند و رفتارهایی که مستعد آن هستند در آن ها ظاهر می شود زمانی که شاهد جلوه های رفتارهای مذهبی در پدر و مادر هستند، این رفتارهای مذهبی با بهترین احساسات تداعی می شود. اگر بچه ها می بینند بهترین اوقات پدر و مادرشان زمانی است که آن ها به نماز می ایستند، اگر چیزی می خواهند به پدر بگویند یا چیزی از مادر می خواهند، صبر می کنند که آنها به نماز بایستند می بینند که آرام ترین

و راحت ترین شرایط و هیأت پدر و مادر زمانی است که وقت اذان است، زمانی است که به اذان گوش می دهند، زمانی است که می خواهند به نماز بایستند می بیند زیباترین لباس، خوش بوترین و معطرترین لباس در تن پدر و مادر زمانی است که می خواهند نماز بخوانند. می بینند خوش اخلاق ترین بابای دنیا را وقتی دارند که بابا در نماز است، ماما در نماز است، آن وقت می بینیم که این نماز با بهترین احساسات تداعی می شود و برای بچه می ماند. این نقشی است که خانواده در ظهور رفتار مذهبی دارد. بچه همان موقع بدون اینکه پدر و مادر بخواهند، شروع می کند به نماز خواندن. به همین جهت ما می بینیم که وقتی یک رفتاری را با تجارب خوشایندی برای بچه ها همراه می کنیم، آن را دوست می دارند و آن وقت است که ما از خانه راهی به طرف مسجد باز می کنیم. هر وقت که پدر و مادر به مسجد می روند، راه خانه و مسجد را به بچه ها نشان می دهند. در مسجد هم به همین گونه است. بچه خردسال 3-4 ساله ای که با پدر یا مادر خود به مسجد می رود، فضای مسجد را باز و آرام می بیند و می خواهد بدود. اگر خدای نکرده توسط کارگزاران مسجد به او اخم و تخم بشود، آزرده گی روانی و عاطفی پیدا بکند، آرام آرام با مسجد قهر می کند. دشمنان ما، مهاجمین فرهنگی مخاطبین اصلی شان کودکان و نوجوانان هستند. بیشتر روی بچه های 2-3 ساله کار می کنند. احساس آنها را سریع تر می شود تغییر داد. بچه ها، کودکان و نوجوانان اسیر احساساتشان هستند، دنبال ارضای نیازهای عاطفی شان هستند تا نیازهای ذهنی. تا نیازهای عاطفی به معنای دقیق کلمه ارضا، نشود، انسان دنبال نیازهای ذهنی نمی رود. اگر خدای نکرده معلم به یک بچه بی توجهی بکند، توهین بکند، شخصیت او را متزلزل کند، او دیگر آمادگی ندارد ریاضی یاد بگیرد، انشاء یاد بگیرد،

او نیاز دارد که به آن تعادل روانی خودش برگردد، احساس سلامت بکند و بعد شروع به یادگیری کند. نیاز ذهنی در مقایسه با نیاز روانی در مرتبه عالی تری قرار دارد. به همین جهت وقتی که کودکان و نوجوانان از طرف خانه وارد مسجد می شوند با مسجد آشتی می کنند، رفتارهای مذهبی جلوه بیشتری پیدا می کند. در مدرسه هم به همین صورت است. باید دقت کنیم که در مدرسه هم با احساس بچه ها، سر و کار داریم. بچه ها باید یاد بگیرند که مدیر و ناظم و معلم نماز خوان، خوش اخلاق ترین مربیان آن ها هستند، با کمال ترین و متین ترین معلمین هستند. ضمن اینکه زیبایی مسجد و مدرسه و نماز خانه مهم است اما مهم ترین عامل، شخصیت مربی است. برای بچه های مدرسه بخصوص دبستان، معلمین کامل ترین الگوها هستند. کودک دبستانی می خواهد خودش را با معلمش همانند بکند. هر چه قدر معلم بیشتر به بچه محبت بکند، بچه از او بیشتر می خواهد یاد بگیرد. نکته ای که بسیار مهم است این است که برخی از بچه ها از خانواده هایی به مدرسه می آیند که والدین و اقوام نماز خوان نیستند و در برخی موارد حتی معلمین و مربیان را به گونه ای به بچه معرفی می کنند که اینها می خواهند ارزش خاصی را به بچه ها تحمیل کنند و غیره. در اینجا اتخاذ شیوه مطلوب برای انتقال ارزش ها مهم تر از خود ارزش ها می باشد.

ما باید تلاش کنیم آمیزه ای از یک شناخت متعارف و احساس زیبا به بچه ها تقدیم کنیم. وقتی بچه از یک خانواده غیر مذهبی به مدرسه وارد می شود بعضاً با پیش داوری می آید یا خانواده ها به او می گویند یا دیگران، این نکته خیلی مهم است، او منتظر این است که فرضی که در ذهنش هست، ثابت شود. فرض ذهنی او چیست؟ فرض ذهنی اش این است که مدرسه می خواهد مساله ای را تحمیل بکند. کافی است معلم یا

مدیر یا ناظم خدای نکرده یک فریادی سر بچه بکشد، معلمی که می خواهد منادی «لا اله الا الله» بشود، سرود و ارستگی را سر بدهد، کافی است که او فریادی سر بچه بکشد، کافی است تهدید کند، تنبیه کند، تحقیر کند و آن فرض ذهنی که ممکن است غلط هم بوده باشد، تایید می شود. اگر می خواهیم در جامعه به طور اعم و در مدارس و مساجد اقامه نماز داشته باشیم باید ائمه مساجد و خادمان مساجد ما خوش اخلاق ترین افراد باشند. معلمان ما نیز باید خوش برخورد، خوش اخلاق و محبوب بچه ها باشند و در صف اول نماز بایستند. نماز را با فیزیک، امور تربیتی را با شیمی و ریاضی عجین کنیم. در دانشگاه های ما نیز باید استادان در خط اول باشند. آنها باید به مدارس بروند و با دانش آموزان نماز بخوانند و با آنها گفت و شنود داشته باشند. ائمه مساجد باید میزبان دانش آموزان دختر و پسر باشند و آن ها را به نوبت به مسجد دعوت کنند. ما باید سعی کنیم با پرورش احساسات مذهبی بچه ها و تقویت شناخت آنها، آنچنان بینشی در آنها ایجاد کنیم که رفتارهای مذهبی که جلوه اش نماز و حجاب است به صورت زیبا جلوه گر شود. اگر خدای نکرده وقت نماز که می شود والدین یا مربی بگویند: وای کار دارم، نمازم قضا شد، چکار کنم؟ این حالت هایی که از ما خدای نکرده به طور نا خودآگاه سر می زند، احساسات را آزرده می کند. [154]

نکات زیبای مربوط به نماز و حتی مقدمات آن باید به زبان بسیار ساده و دلنشین برای نوجوانان و جوانان بیان شود. به عنوان مثال وضو که مقدمه ای برای نماز است، یک پدیده ویژه تن - روانی و معنوی و روحانی است که با تطهیر و پالایش وجود و طهارت جسم و روان از ناپاکی ها و نادرستی ها مقدمه و شرط اولیه حضور در محضر رب العالمین را فراهم می کند. آنها وقتی معنا و مفهوم وضو را در حد توان

خودشان درک کنند، به هنگام وضو با آگاهی وضو بگیرند، دوست می دارند که همیشه با وضو باشند و اگر برای آن ها مطرح کنیم که کسانی که با وضو هستند و با وضو سر کلاس می روند از دامنه توجه و تمرکز بیشتری برخوردار هستند و بالطبع پیشرفت تحصیلی بیشتری حاصلشان می شود، آن وقت آنها با وضو مأنوس می شوند و می دانند که وضو فقط شست و شوی ظاهر نیست. انسان نمازگزار با شستن صورت، نمای اجتماعی خود را از هر گونه نظر ناصواب و نگاه و کلام و منظری که رضای خدا در آن نبوده است، پاک می کند. با شست و شوی دست ها هر توان و قدرت و عملی را که ریا در آن است از خود دور می کند. با مسح سر ذهن و اندیشه و تخیل و انگیزه خود را از هر آنچه غیر خداست، پاک می کند و با باوری دوباره به عظمت کبرایی و فکری متعالی، سرش را در نهایت آزادگی و سرافرازی برای تعظیم و تسلیم به درگاه خالق یکتا مهیا می کند و با مسح پا، قدم های خود را از هر حرکت نامیمون و ناخوشایند و کج روی و هرزه گروی مبری می سازد.

چه بسیارند کودکان و نوجوانانی که با به اصطلاح نمازگزارانی مأنوس و محشور بوده اند که بعضاً از ایشان جز اخم و عصبانیت و خود رأیی و آزمندی و خصلت بی صبری و لجاجت و ده ها ویژگی نامطلوب دیگر ندیده اند. بنابراین می بایست در همه انسان ها، به ویژه کودکان و نوجوانان نگرش مثبت و دوست داشتنی نسبت به نماز و شخصیت محبوب نمازگزاران به وجود آید تا آنان نیز با همانند سازی به این مهم که نیاز انسان های متعالی است، بپردازند. مگر نه این است که نماز پرچم عبادات و معراج مؤمنین است، مگر نه این است که نماز موجب قربانی کردن همه خود محوری ها و تجلی همه نیکی ها و زیبایی ها و اوج شکوفایی ماست؟ پس سزاوار است که نوباوگان، نوجوانان و جوانان ما،

همسایه ها و شاگردان ما، معلمین ما، زیردستان و فرماندهان ما، میهمانان و تماشاگران ما، دوستان و دشمنان ما، همه و همه از زمانی که نماز می خوانیم، انتظاری جز محبت در کلام و رفتار و استواری شخصیت، گذشت و مروت، سخن حق و عمل به عدالت نداشته، شخصیت ما را عاری از عصبانیت ها و پرخاشگری ها و خود خواهی ها و خود محوری ها و قدرت طلبی ها و یادآور زیبایی ها و عمل به نیکی ها بدانند و نمازگزار را نه فقط از سبحة دست و نشانه پیشانی و اخفا، و اظهار حروف، بلکه از خوشترین داری ها و پیشگامی در عمل به معروف و مشی صحیح زندگی، خدا ترسی و تقوی پیشگی، استغنائی طبع و صبوری در شرایط سخت، شاکری در نعمت، صیانت از پرده و حریم عصمت، حفظ امانت، وفای به عهد، بخشش و سخاوت و پایداری در صراط مستقیم، حاکمیت بخشیدن به ارزش ها، حفظ و تداوم شرایط قیام به نماز و حضور در محضر انس بشناسند. «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا». قوانین حاکم بر نفسیات انسان چنین است که او بسیار حریص و آزمند است و زمانی که با تجارب ناخوشایند مواجه می شود، بسیار بی قراری از خود نشان می دهد. آن گاه که مال و دولتی به او رو می کند، منع احسان می کند و انحصارگری پیشه می کند، مگر نمازگزاران حقیقی که به عنوان گروهی از انسان های رشد یافته و مطلوب، با قدرت و معنویت نماز و قربانی کردن خودخواهی ها، تسلیم محض، قدرت غلبه بر کشش ها و قوانین حاکم بر نفسانیات انسان توانسته اند در زمره رستگاران واقعی قرار بگیرند. به دیگر سخن کودکان و نوجوانان و همه نظاره گران رفتارهای شخصی و اجتماعی انسان ها می بایست خویشتن داری ها و فضیلت های اخلاقی و رفتارهای متعالی فردی و اجتماعی را حاصل اقامه نماز بدانند.

در هر کس نیکی می بینند و در هر کس شخصیت محبوبی می بینند، بگویند او نماز خوان است. [155]

برای موفقیت بهتر در تربیت یک نسل مذهبی موارد زیر را باید مورد عنایت قرار دهیم:

- (1) رعایت شرط سنّ است که هر سنی مقتضایی دارد و زبانی و هر فرد در هر مرحله از درک و فهمی متناسب با آن برخوردار است.
- (2) شرط جنس است که پسران و دختران در این زمینه متفاوت اند.
- (3) آرایش ظاهر است. غرض این است که برنامه و مراسم را گیرا و جاذب کنیم. محل وضو، مسجد و نمازخانه را تمیز کنیم. محل استقرار کودکان را از نظر سرما و گرما معتدل کنیم و کلاً فراموش نکنیم که ظاهر در باطن مؤثر است و باطن هم در ظاهر اثر دارد.
- (4) برای برگزاری مطلوب مراسم دینی، تشکیل گروه مهم است، گروه سازی کنیم گروه تواشیح، گروه سرود، گروه دکلمه و بچه ها را در هر گروه، تشکیل سازمانی بدهیم.
- (5) زندگی اسلامی را تمرین کنیم. از پیک نیک غافل نشویم. یک صبح جمعه، یک روز تعطیلی از اول صبح بچه ها را به یک محلی و منطقه ای ببریم و زندگی اسلامی را از اول صبح تا غروب تمرین کنیم.
- (6) ایجاد حالت تهیو (آمادگی) است. قبل از نماز مسئولان نماز باید آماده باشند. پدر در خانه باید حالت آمادگی پیدا کند، مسئول اداره کار را تعطیل کند و برای وضو و تطهیر برخیزد و از این قبیل.
- (7) عبادت دارای روح باشد. عبادت به هنگامی جلب می کند که روح دار باشد. به همین نظر والدین، مربیان، مسئولان نماز و پیشنمازان در عبادت اخلاص بیشتری را باید نشان دهند و خضوع و خشوع زیاده تری داشته باشند.

8) سهل گیری و سرعت. اصل در مذهب برای کودک و نوجوان آسان گرفتن است و دین هم همین را خواسته است.

9) حرکت جمعی. اصولاً حضور جمع چشمگیر است و توجه بیشتری را به خود جلب می کند. برای اینکه مراسم عبادی در دل ها نفوذ کند و تنفیذ و تثبیت مذهب برای کودک رخ دهد نیز مطالبی را فهرست وار بیان می کنیم:

1) صحنه را خوشایند کنیم. با زرق و برق ها، چراغ های گوناگون، پرچم های رنگارنگ، تصویرها و ...

2) استفاده از لذات کامی یا دهانی. گاهی مراسم را با یک شربت یا یک شیرینی و یا شکلات می توانید جاذب کنید.

3) زمینه سازی برای اغناء. مراسم اسلامی به صورتی باشد که لذات گوناگون را اغنا کند.

4) ذکر داستان. البته انتخاب نوع داستان و گوینده داستان مهم است.

5) دادن جوایز. شرایطی باید فراهم شود که دانش آموز در مدرسه حداقل سالی یک بار مستحق جایزه گرفتن باشد. گاهی به بهانه رتبه درسی، گاهی به بهانه اینکه نظم و انضباط خوب بوده، زمانی به بهانه اینکه خط زیبایی دارد، گاهی به این بهانه که نظافت او خیلی خوب است، گاهی به این بهانه که حضور مرتب در مدرسه دارد، گاهی به بهانه نوشتن یک مقاله یا خواندن یک سرود باید بچه را تشویق کنیم. محل تشویق باید بعد از نماز و در نمازخانه باشد که بچه مزد آن عمل خوبی را که انجام داده، با آن محل عبادت پیوند بدهد.

6) استفاده از هنر. هنر نمایش، هنر سرود، صوت خوب و از این قبیل. نمایش ها، سرودها، صوت خوب و حتی لحن قرائت نماز بسیار

جذب کننده است. حتی اگر دانش آموزی پیشنماز می شود، نفس قرائت نماز و لحنش در جذب و جلب افراد مؤثر است. ممکن است این فکر برای بعضی ها پیش بیاید که خوب آن نمازی که فعلاً به خاطر صدای خوب افراد، جذب می شوند، چه فایده ای دارد؟ جواب آن است که اصل این است که گاهی او را به سمت نماز بیاوریم، بعداً عادت که ایجاد شد آن وقت نیت ها را می شود عوض و اصلاح کرد که خود این یک بحث علمی از نظر روان شناسی دارد.

(7) استفاده از ادبیات. فنون ادبی، متن های حماسی و عاطفی، شعری سازنده و آهنگ ساز، بیان مباحثی که گیرا باشد، جمله هایی که در جمع نفوذ کند، اینها در سازندگی افراد و در تربیت دینی مؤثر است.

(8) استفاده از عواطف. روان شناسان می گویند عاطفه خمیرمایه گرایش مذهبی است. هر قدر پیوند محبت و انس با کودک و نوجوان در امر دین بیشتر باشد، دین بیشتر در او نفوذ می کند. به ویژه که سن کودکی سن عاطفه است. سن هیجان ها، محبت و عاطفه است و تأثیری عظیم در زندگی کودکان دارد. به گفته ژان ژاک روسو یکی از مرییان غربی که البته مسیحی است، اساس تربیت دینی و سوق دادن نوجوان و کودک به سوی مذهب محبت است. خدا را از بعد عاطفی به کودک معرفی کنیم. در اسلام روایاتی داریم که تا سن 8 سالگی از جهنم، سوختن و عذاب کردن برای بچه بحث نکنید. همه جا بحث از این باشد که خدا تو را دوست دارد، خدا به تو مهربان است.

(9) استفاده از جاذبه احسان که انسان را عبید احسان معرفی کرده اند.

به گفته یکی از دانش مندان، کودک از اولیای خود همان گونه تأثیر می گیرد که یک گیاه از نور خورشید. والدین و مربیان منبع رفتارند، منبع آگاهی هستند منبع عملکردهای کودکند.

هر کودکی آئینه ای است تمام نما از وجود مربیانی که در طول مدت زندگی دوران کودکی اش از مقابل چشم او رژه رفته اند. آن کسی که می خواهد مربی دین باشد، یعنی پدر، مادر و یا معلم شود، اولین شرطش آگاهی و اطلاع است. آگاهی از تعالیم مذهب، از مسیر تحولی مذهب، از حرکت رو به رشدش، از فلسفه حیات در مذهب، از شرایط نسل و خصائص روانی و عاطفی اش، از راه و روش تربیت کودک و نوجوان که هر کدام روشی دارد، از شرایط زمان و جریاناتش، از نوع پرسش ها و مشکلات در سن کودکی و در سن نوجوانی، از منطق کودک و نوجوان، از روان شناسی بلوغ و از وظیفه خود در قبال آنان.

نکته دوم ایمان و باور داشت مربی است، یک ایمان واقعی و راستین همانند ایمان به سوزاندگی آتش.

نکته سوم اعتقاد به امانت داری است. آن کسی که این عقیده را ندارد و باور ندارد که کودک امانت خداست، حق ندارد مربی شود، حق ندارد پدر و مادر شود.

نکته چهارم جنبه الگویی و عمل است. آن کس که پدر است، آن کسی که معلم است، آن کس که روحانی و پیشنماز است، باید الگوی عدالت و انصاف باشد، الگوی دیدگاهی باشد که از آن دیدگاه دفاع می کند، الگوی استقامت باشد، الگوی وفای به عهد باشد، الگوی خیر خواهی و صفا باشد، الگوی شجاعت و صراحت باشد، الگوی متانت در سخن باشد، یعنی بی ادبی کودک و نوجوان را تحمل کند و در بعد حیات اسلامی یک قرآن متحرک باشد. [156]

در این قسمت برخی از آیات دیگر از قرآن حکیم را که در قسمت های قبلی بررسی نشده اند را به صورت اجمالی بررسی می نمائیم:

1) «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» [157]

«(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند؛ و نماز را برپا می دارند؛ و از تمام نعمت ها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند.» [20]

خداوند سبحان «صلوة» را که در رأس عبادت های بدنی است بر ایمان عطف گرفته و فرموده است: «و یقیمون الصلوة» یعنی متقین نماز را مواظبت می کنند و مہیای انجام آن می شوند. قرآن از «أداء» تعبیر به «اقامه» کرده است. و می توان یقیمون الصلوة را به معنای يعدلون ارکان ها گرفت. یعنی آنان، ارکان نماز را درست به جا می آورند، همان گونه که عرب می گوید: اقام العود یعنی چوب را راست کرد. [158]

عملی که در سایه ایمان در این عبادت مورد نظر خدا است، آن عملی است که پایه و اساس هر چه نیکی قرار می گیرد. از آن روی از نماز و زکات به طور ویژه یاد کرد که این ها پایه تمامی عبادت های بدنی و مالی و در واقع عیار (گواه) و سنجة هر عبادت دیگری هستند. نه مگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از نماز به ستون دین تعبیر می کند و می فرماید: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ» و همچنین فاصله میان اسلام و کفر را ترک نماز قرار داده و از زکات به قنطره (پُل) اسلام، یاد کرده و خدای متعال می فرماید: «وَيَلْ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ / وای به حال مشرکان، آنان که زکات نمی پردازند.» [فصلت 6/7]. وقتی این دو

عبادت از چنین جایگاهی برخوردارند، چنان شأن و منزلتی هم دارند که دیگر عبادات در حاشیه آن ها قرار گیرند و تابعی از آن ها باشند. از این روی، کلام در نهایت اختصار و ایجاز در میان آمده و ذکر این دو مورد توگویی به منزله عنوانی برای همه عبادات، عبارت را از بر شمردن تفصیلی همه عبادات بی نیاز ساخته است و از آن حیث که برتری و فضیلت این دو عبادت کاملاً به روشنی بیان شده است، در صورتی که مکلف به آن دو عمل کند، هیچ گزیر و گریزی از اقتران دیگر عبادات به آن ها نیست [به طریق اولی آن ها را هم انجام خواهد داد]. آن گاه حکایت پرهیز از گناه نیز چنین است [یعنی کسی که این عبادات را انجام دهد از گناه نیز می پرهیزد]. نه مگر خدای متعال می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» «نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می دارد [عنکبوت 45]. این احتمال هم وجود دارد که شرح و بیان «المتقین» نباشد، بلکه صنعتی مستقل باشد تا بر انجام طاعات دلالت کند که آن گاه مراد از «متقین» آنان هستند که از ارتکاب گناهان پرهیزند. احتمال سوم این است که مدح و ستایش کسانی باشد که متصف به وصف و پرهیزگاری هستند و ایمان به غیب و برپای داشتن نماز و پرداخت زکات ویژه آنان است تا به این نکته بس ظریف نیکو تصریح کند که این امور نسبت به دیگر اموری که این اسم فراگیر آن هاست، از حقیقت و والایی [ویژه تری] برخوردارند. [159]

رزق به معنای بخشش مستمری است که در اوقات معین می رسد و گاه به نصیب و بهره نیز گفته می شود. بعضی نیز گفته اند که رزق به معنای انعام و بخشش مخصوصی است که مطابق مقتضای حال طرف و بر طبق حاجت او باشد تا حیات و زندگی اش تداوم یابد. جالب توجه این

که معادل لغت رزق در فارسی، واژه روزی است؛ یعنی انعام و بخششی که هر روز می رسد و شامل حال افراد می شود. [160]

باید توجه داشت که رزق و روزی به مادیات و آب و نان خلاصه نمی شود؛ بلکه هر آنچه که انسان برای کمال خویش به آن نیاز داشته باشد، رزق است. به همین دلیل، در دعاهایی که از معصومین (علیهم السلام) به ما رسیده است، چیزهایی مانند: عقل کامل، علم سودمند، مال فراوان و حلال، شخصیت والا، فرزند صالح، ایمان ثابت، خیر دنیا و آخرت، زندگی پاکیزه، شفاعت، حج خانه خدا، زیارت قبور معصومین (علیهم السلام)، دفن شدن در کنار مزار ایشان و محشور شدن با آن ها به عنوان رزق از خدا طلب شده است. امام صادق (علیه السلام) علم را یکی از رزق های الهی می داند و در ذیل این آیه می فرماید: «یعنی از آنچه که به آن ها یاد داده ایم، بین مردم نشر می دهند.» بنابراین، تعلیم نیز نوعی انفاق است. [161]

(2) «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» [162]

«و نماز را بر پا دارید و زکات را ادا کنید؛ و هر کار خیری را برای خود از پیش می فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت؛ خداوند به اعمال شما بیناست.» [20]

در این آیه دو دستور سازنده مهم به مؤمنان می دهد، یکی در مورد نماز که رابطه محکمی میان انسان و خدا ایجاد می کند.

نماز که رمز ارتباط با خداست، مؤمنانی را که به جهان ماوراء طبیعت راه یافته اند در یک رابطه دائمی و همیشگی با آن مبدأ بزرگ آفرینش نگه می دارد، آن ها تنها در برابر خدا سر تعظیم خم می کنند، و تنها تسلیم آفریننده بزرگ جهان هستی هستند، و به همین دلیل دیگر

خضوع در برابر بت ها و یا تسلیم شدن در برابر جباران و ستمگران، در برنامه آن ها وجود نخواهد داشت. چنین انسانی، احساس می کند از تمام مخلوقات دیگر فراتر رفته و ارزش آن را پیدا کرده که با خدا سخن بگوید، و این بزرگ ترین عامل تربیت او است. کسی که شبانه روز حداقل پنج بار در حضور خداوند قرار می گیرد، و با او به راز و نیاز می پردازد، فکر او، عمل او، گفتار او، همه خدایی می شود و چنین انسانی چگونه ممکن است بر خلاف خواست او گام بردارد (مشروط بر اینکه راز و نیازش به درگاه حق، از جان و دل سرچشمه گیرد و با تمام قلب رو به درگاهش آورد). [163]

دستور دیگر در مورد زکات که رمز همبستگی اجتماعی است و این دو برای پیروزی بر دشمن لازم است، می فرماید: نماز را بر پا دارید و زکات را ادا کنید و با این دو وسیله روح و جسم خود را نیرومند سازید. آنگاه اضافه می کند؛ تصور نکنید کارهای نیکی را که انجام می دهید و اموالی را که در راه خدا انفاق می کنید از بین می رود، نه، آنچه از نیکی ها از پیش می فرستید آن ها را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت. سرانجام می گوید: خداوند به تمام اعمال شما بصیر است. او به طور دقیق می داند کدام عمل را به خاطر او انجام داده اید و کدام یک را برای غیر او. [164]

معمولاً دستور به نماز همراه با زکات در قرآن آمده است. شاید اشاره دارد به اینکه یاد خدا باید همراه با توجه به خلق خدا باشد. [165]

جز برای خداوند نباید انفاق کرد. زیرا تمام فوائد و آثار دنیایی آن، دیر یا زود از میان می رود، ولی اگر انفاق برای خدا باشد، تا ابد از برکات آن بهره مند خواهید بود. [166]

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که همه دنیا متاع قلیل است، «مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ» [نساء 7] ولی حکمت خیر کثیر است [آیه 269 بقره] بنابراین اگر همه امکانات مادی فدای دستیابی به حکمت و بینش صحیح گردد، ارزش دارد. دنیا گرایان بر مال و آمار و محاسبات مادی تکیه می کنند و سود و زیان را بر اساس مادیات می سنجند، ولی دوراندیشان عاقل و راه شناسان اندیشمند، از بعد دیگری محاسبه می کنند. [167]

(3) «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.» [168]

«کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را بر پا داشتند و زکات را پرداختند اجرشان نزد پروردگارشان است؛ و نه ترسی بر آن هاست، و نه غمگین می شوند.» [20]

اسلام در کنار مسائل عبادی و فردی، به مسائل اقتصادی و مردمی نیز توجه دارد. نماز و زکات در کنار هم مطرحند. ذکر نماز و زکات بعد از عمل صالح، نشانه آن است که در میان کارهای شایسته حساب این دو جدا است. هوشمند کسی است که در محاسبات، تنها به موجودی امروز که در دست دارد ننگرد بلکه به آینده و ذخیره هایی که نزد خداوند است توجه داشته باشد. پروردگار، به مؤمنانی که اهل عمل صالح و نماز و زکاتند، نظر ویژه ای دارد. کلمه «رَبِّهِمْ» اشاره به لطف خاص اوست. عوامل آرامش، ایمان، عمل صالح، نماز و زکات است. [169]

4) «لَكِنَّ الرِّاسِيَّ حُوتٌ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا» [170]

«ولی راسخان در علم از آنها و مؤمنان (از امت اسلام) به تمام آنچه بر تو نازل شده، ایمان می آورند. (همچنین) نمازگزاران و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز قیامت و به زودی به همه آنان پاداش عظیمی خواهیم داد.» [20]

نماز جایگاه مخصوص دارد همه جملات آیه با واو و نون آمده «الرَّاسِيَّ حُوتٌ، الْمُؤْمِنُونَ، الْمُؤْتُونَ» ولی درباره نماز به جای «مقیمون» کلمه «المُقیمین» به کار رفته که در زبان عربی، نشانه برجستگی آن است. با آنکه نماز و زکات، در همه ادیان بوده است، ولی به خاطر اهمیت آن دو جداگانه ذکر شده اند. در حدیث آمده است: آنکه زکات نمی پردازد نمازش قبول نیست. پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمازگزارانی را که زکات نپرداخته بودند، از مسجد بیرون کرد. به فرموده قرآن، نمازگزار واقعی بخیل نیست [آیات 21 و 22 معارج]. [171]

5) «وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» [172]

«و (نیز به ما فرمان داده شده به) اینکه: نماز را بر پا دارید؛ و از او بپرهیزید؛ و تنها اوست که به سویش محشور خواهید شد.» [20]

در این آیه، از میان همه وظایف به نماز و از میان همه عقاید به معاد اشاره شده است که این موضوع اهمیت آن ها را می رساند. [173]

6) «وَالَّذِينَ يَمَسُّونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» [174]

«و آنها که به کتاب (خدا) تمسک جویند، و نماز را بر پا دارند، (پاداش بزرگی خواهند داشت زیرا) ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد.» [20]

با اینکه نماز، جزو محتوای کتاب آسمانی است، ولی به دلیل اهمیت آن، به طور جداگانه ذکر شده است، زیرا نماز ستون دین است و اقامه دین بستگی به آن دارد. چنانچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هر چیزی دارای صورتی است و سیمای دین شما نماز است، پس نباید سیمای دین خودتان را خراب کنید. در ادیان و کتاب های آسمانی گذشته نیز نماز بوده است. افراد بی نماز و جاهل به کتاب خدا، نمی توانند مصلح کامل باشند. اقامه نماز، وسیله اصلاح جامعه است. اقامه یعنی اهتمام کامل به برپایی نماز در تمام شئون زندگی، نه صرف خواندن نماز، اصلاح واقعی دو شرط دارد: تمسک کردن به قانون الهی و رابطه استوار داشتن با خدا از طریق اقامه نماز. [175]

زنده شدن نماز سبب زنده شدن قرآن است، زیرا هر نمازگزار مجبور است که در نمازهای هفده رکعتی خود روزی ده بار سوره حمد را بخواند و به دنبال آن یکی دیگر از سوره های قرآن را، طبیعی است تلاوت دو سوره از قرآن در هر رکعت، مانع به فراموشی سپرده شدن قرآن در جامعه می گردد. به علاوه قرآن و نماز بارها در کنار هم آمده اند. قرآن ما را به نماز دعوت می کند و نماز ما را با قرآن آشنا می سازد. [176]

7) «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» [177]

«آن ها که نماز را بر پا می دارند؛ و از آنچه به آن ها روزی داده ایم، انفاق می کنند.» [20]

در این آیه دو ویژگی برجسته از مؤمنان ذکر شده است. مؤمنان در پرتو احساس مسئولیت و درک عظمت پروردگار و همچنین ایمان فزاینده و بلندنگری توکل، از نظر عملی دارای دو پیوند محکمند. پیوند و رابطه نیرومندی با خدا و پیوند و رابطه نیرومندی با بندگان خدا. آنها کسانی هستند که نماز را (که مظهر رابطه با خداست) بر پا می دارند و از آنچه به آن ها روزی داده ایم در راه بندگان خدا انفاق می کنند. تعبیر به اقامه نماز (به جای خواندن نماز) اشاره به این است که نه تنها خودشان نماز می خوانند بلکه کاری می کنند که این رابطه محکم با پروردگار همیشه و در همه جا بر پا باشد. [178]

وقتی ایمان به حد کاملش در دل مستقر گردید قهراً انسان به سوی عبودیت معطوف می گردد و پروردگار خود را به خلوص و خضوع عبادت می کند و این عبادت همان نماز است. [179]

(8) «قُلْ لِّلْعِبَادِیَ الَّذِیْنَ آمَنُوا یُقِیْمُوا الصَّلَاةَ وَیُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِیَّةً مِّنْ قَبْلِ اَنْ یَّاتِیَ یَوْمٌ لَاَ بَیْعُ فِیْهِ وَلَا خِلَالٌ» [180]

«به بندگان من که ایمان آورده اند بگو نماز را بر پا دارند؛ و از آنچه به آن ها روزی داده ایم، پنهان و آشکار انفاق کنند؛ پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه در آن خرید و فروش است، و نه دوستی. (نه با مال می توانند از کیفر خدا رهایی یابند و نه با پیوندهای مادی.)» [20]

بار دیگر در این آیه در تنظیم برنامه مؤمنان راستین به مسأله صلوٰة (نماز) و انفاق برخورد می کنیم که در نظر ابتدایی ممکن است این پرسش را ایجاد کند که چگونه از میان آن همه برنامه های عملی اسلام، تنها روی این دو موضوع انگشت نهاده شده است؟ علت این است که اسلام ابعاد مختلفی دارد که می توان آن ها را در سه بخش خلاصه کرد:

رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خلق خدا، و رابطه انسان با خودش که قسمت سوم در حقیقت نتیجه ای است برای قسمت اول و دوم و دو برنامه نماز و انفاق هر کدام رمزی است به یکی از دو بُعد اول و دوم. نماز مظهري است برای هر گونه رابطه با خدا، زیرا این رابطه در نماز از هر عمل دیگری بهتر مشخص می شود و انفاق از آنچه خدا روزی داده، با توجه به مفهوم وسیع آن که هر نعمت مادی و معنوی را شامل می شود رمزی است برای پیوند با خلق. ایمان در صورتی ریشه دار است که در عمل متجلی شود و انسان را از یک سو به خدا نزدیک کند و از سوی دیگر به بندگان. [181]

قیام به نماز جز گزاردن نماز است. قیام شرط های دارد از قبیل عزم و اهتمام به سایر شروط و آیین های آن. [182]

(9) «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» [183]

«نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] بر پا دار؛ و همچنین قرآن فجر [= نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است.» [20]

ذُلُوك: به معنی امرار چیز است بر دیگری که مسح قوی صورت گیرد و ذُلُوك شمس بر زمین موقع غروب از این معنی است. غَسَق: عبارت است از ظلمت که فرود آمده و احاطه کند و اعم است از آنکه مادی باشد و یا معنوی چون ضلال و کدورات معنوی. [184]

قرآن فجر نماز صبح است و نماز صبح را فرشتگان شب و فرشتگان روز مشاهده می کنند و بر آن شاهد و گواهند و به همین سبب مستحب مؤکد است که نماز صبح در آغاز زمان انجام دادن آن در فجر یعنی

هنگام دمیدن سپیده صبح گزارده شود. چنان که می بینیم خداوند سجانه و تعالی اوقات نماز را به جای آن که پنج باشد، سه معین کرده است، به دلیل نزدیک بودن دو وقت نمازگزاری ظهر و عصر و مغرب و عشاء به یکدیگر. [185]

نماز تنها عبادتی است که به نام «قرآن» توصیف شده است. قرآن و تلاوت آن در نماز، محور اصلی است و در میان نمازها، نماز صبح جایگاه ویژه ای دارد. [186]

در عبارت «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ» فن مجاز مرسل به کار رفته است، یعنی جزء بر کل اطلاق شده است، یعنی «قِرَاءَتِ الْفَجْرِ» که منظور از آن نماز صبح است. در عبارت «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» نیز فن جایگزینی اسم ظاهر به جای ضمیر به کار رفته است. [187]

10) «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءً» [188]

«پروردگارا! مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین بفرما)، پروردگارا! دعای مرا بپذیر.» [20]

این آیه دعای ابراهیم (علیه السلام) می باشد. ابراهیم نمازگزار بود و بزرگواری و عظمتش به نماز بود، ما که فرزندان اویم، نباید به نسبت محض با او بنایم بی آن که از آموزش های آسمانی پیروی کنیم. ابراهیم (علیه السلام) می خواهد همچون او باشیم. [189]

منظور از «مقیم» پیوسته نماز خواندن و اهل توحید شدن است. «مِنْ ذُرِّيَّتِي» نشان می دهد که آن حضرت دعاء طبعی کرده و می دانسته است که همه نسل او نماز خوان خواهند بود. [190]

«وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» «برخی از فرزندان مرا» عطف بر مفعول «اجعلنی» است. [191]

طبق گفته برخی چون خدا به او خبر داده بود که در میان اولادش کفار هستند؛ لذا این دعا را در باره بعضی از اولادش فرمود. [192]

نماز، محور دعا‌های حضرت ابراهیم (علیه السلام) است. با آنکه رسالت انبیا اقامه دین است اما دعا برای اقامه نماز به جای آن، نشانه آن است که نماز چهره و سیمای تمام نمای دین است. اقامه نماز، عیدل و همتای رهبری است. حضرت ابراهیم (علیه السلام) در دو مورد عبارت «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» را به کار برد: یکی درباره نماز نسل خود و یکی در مورد رهبری نسل خود [آیه 124 بقره]. [193]

11) «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» [194]

«مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند؛ آنها از روزی می ترسند که در آن، دل ها و چشم ها زیر و رو می شود.» [20]

کلمه «رِجَالٌ» در این آیه شامل همه بندگان خدا می شود، چه مرد و چه زن. «تجارت» داد و ستد دائمی برای به دست آوردن سود است، ولی «بَيْعٌ» خرید و فروش مقطعی برای رفع نیازهای زندگی است. در حدیث می خوانیم: مراد از کسانی که در این آیه از آن ها یاد شده است، تجاری هستند که با شنیدن صدای اذان، تجارت را رها می کنند و به سوی نماز می روند. کسانی که تجارت آنان را غافل نکند، مردان بزرگی هستند. "رجال" با تنوین آمده که علامت بزرگی و عظمت است. حتی کارهای حلال و مباح نباید انسان را از یاد خدا غافل کند، چه رسد به کارهای مکروه و حرام و بازار اسلامی، هنگام نماز باید تعطیل شود. ترک تجارت ارزش نیست، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات ارزش

است. مردان خدا برای زندگی دنیوی تلاش می کنند ولی از آخرت غافل نیستند. با این که نماز ذکر خداست، ولی به خاطر اهمیت، جداگانه مطرح شده است. نماز و زکات در کنار یکدیگرند و کسانی استحقاق ستایش دارند که اهل هر دو باشند. [195]

بعضی از اهل سنت از بسیاری از اصحاب پیغمبر روایت کرده اند که: این آیه درباره اهل بازاری است که چون صدای اذان نماز می شنوند هر کاری را ترک می کنند و به سرعت به نماز می روند. [196]

12) «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» [197]

«همان کسانی که نماز را بر پا می دارند، و زکات را ادا می کنند، و آنان به آخرت یقین دارند.» [20]

می شود گفت: صلاة رمز اعمال بدنی و زکاة رمز انفاق های مالی و این دو در جای «عملوا الصالحات» واقع شده اند و یا ذکر آن دو برای اهمیت است. صلاة در رابطه با خدا، زکاة در رابطه با انسان ها. ایقان به آخرت کنایه از آن است که اقامه نماز و دادن زکاة در صورتی بشارت می تواند باشد که توأم با یقین به معاد باشد و گر نه اعمال شخص، حبط و باطل می شوند. [198]

چون نماز و رابطه با خدا، زمینه ساز سایر کارهای خیر است، نام آن در ابتدا آمده است و رابطه با خداوند بر رابطه با مردم (زکات) مقدم است. از فعل مضارع «يُقِيمُونَ» می یابیم که تداوم عمل، به عمل ارزش می دهد زیرا فعل مضارع نشانه استمرار و تداوم است: اقامه نماز، انجام دادن آن با شرایط است و این یعنی نمازی ارزش دارد که با شرایط صحت و کمال انجام گیرد. [199]

13) «مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» [200]

«این باید در حالی باشد که شما به سوی او بازگشت می کنید و از (مخالفت فرمان) او پرهیزید، نماز را بر پا دارید و از مشرکان نباشید. [20]

«مُنبین» از «ناب، ینیب» بوده و به مفهوم از همه جا بریدن و به خدا پیوستن است. هم چنین ممکن است از ریشه «ناب ینوب» باشد، که در این صورت به معنای بازگشت پیاپی به سوی خدا و توبه به بارگاه اوست. [201]

به دنبال دستور انابه و بازگشت، دستور به تقوا می دهد که جامع همه اوامر و نواهی است. سپس، از میان تمام اوامر، تکیه و تأکید بر موضوع نماز کرده می گوید: و نماز را بر پا دارید. چرا که نماز، در تمام ابعادش، مهم ترین برنامه مبارزه با شرک، و مؤثرترین وسیله تقویت پایه های توحید و ایمان به خداست. لذا از میان تمام نواهی نیز روی شرک تکیه می کند و می گوید: و از مشرکان نباشید چرا که شرک بزرگترین گناه و اکبر کبائر است که هر گناهی را ممکن است خداوند ببخشد، اما شرک را هرگز نخواهد بخشید چنان که در آیه 48 نساء می خوانیم: «خداوند شرک را نمی بخشد ولی کمتر از آن را برای هر کس بخواهد می بخشد.» پیدا است دستورات چهار گانه ای که در این آیه آمده، همه تأکیدی است بر مساله توحید و آثار عملی آن اعم از: توبه و بازگشت به سوی خدا، تقوا، اقامه نماز و پرهیز از شرک. [202]

اقامه نماز، تجلّی روح تقوا در انسان است. «وَاتَّقَوْهُ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ» [203]

14) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» [204]

«ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید!» [20]

پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگام ورود به مدینه در (قُبا) فرود آمد و در روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول بر بنی عمرو بن عون وارد شد و مسجد قُبا را تأسیس و تا روز جمعه در آن جا ماند.

سپس به قصد مدینه از قُبا بیرون آمد و در مسجدی که بنی سالم بن عوف در داخل دره ای برای خود برگزیده بود خطبه خواند و نماز جمعه اقامه کرد. در حدیث است که هر گاه روز جمعه شود فرشتگان بر در مسجدها می نشینند و نامه هایی از نقره و قلم هایی از طلا در دست دارند و بر حسب درجات (شرکت کنندگان در نماز جمعه) و با رعایت ترتیب اسم ها را می نویسند. [205]

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند که فرموده است: «بهترین روزی که خورشید در آن بر آمده روز جمعه است. آدم (علیه السلام) در آن روز آفریده شده و در آن روز وارد بهشت شده و در آن روز به زمین هبوط کرده و قیامت نیز در آن روز برپا می شود و «یوم مزید / روز آدینه» نزد خدا همین روز است.» همچنین از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند که فرموده است: «جبریل (علیه السلام) در حالی که آینه ای سپید در دست داشت به نزد من آمد و گفت: این روز جمعه است که پروردگارت آن را بر تو عرضه داشته تا برای تو و پس از تو برای امت روز جشن باشد و ما تا قیامت آن را یوم المزید می نامیم.» همچنین فرموده است: «خدای متعال هر جمعه ششصد هزار کس را از دوزخ آزاد می کند.» [206]

در این آیه «ذکر الله» همان نماز جمعه است. اشاره به این که سرعت کنید که درک کنید خطبه نماز جمعه را و سرعت به سوی امر خیر را سعی می گویند و به سوی امر شر را عجله می نامند. [207]

در اسلام، در میان روزها، روز جمعه از اهمیت خاصی برخوردار است و روایات در این باره بسیار است که به برخی از آنها اشاره می شود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جمعه، سرور روزهای هفته و دارای بزرگترین مرتبه در نزد خداوند متعال است جمعه، روز کمک به محرومان و فقراست. در حدیث می خوانیم که پرداخت صدقه و انفاق خود را در روز جمعه پرداخت کنید. جمعه، عید مسلمانان است.

جمعه روز ظهور امام زمان (علیه السلام) و پایان غیبت آن حضرت است. در روز جمعه درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال بندگان باز می شود. پیامبر می فرماید: در روز جمعه خداوند کارهای نیک را چند برابر و کارهای زشت را محو می کند، به درجات مؤمنان می افزاید، دعاها را اجابت می کند، بلاها را دور و حاجات مؤمنان را برآورده می سازد. هر کس روز جمعه به زیارت قبر پدر و مادر یا یکی از آنها برود گناهانش بخشیده و نام او در زمره نیکان نوشته می شود. در روز جمعه، غسل جمعه را ترک نکنید که سنت پیامبر اسلام است و از بوی خوش بهره گیرید و لباس نیکو در بر کنید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آیا به شما خبر دهم چه کسی اهل بهشت است؟ کسی که گرما و سرمای شدید او را از اعمال روز جمعه باز ندارد. در روز جمعه تا آنجا که توان دارید، کارهای خیر انجام دهید. برای کسی که در روز جمعه به نظافت پردازد و ناخن و موی سر و صورت خود را کوتاه کند و مسواک بزند ... و به سوی نماز جمعه برود، هفتاد هزار فرشته او را بدرقه کند و برای او استغفار و شفاعت نمایند. [208]

نماز جمعه بزرگترین اجتماع عبادی سیاسی هفته می باشد. نُودی از ماده نداء به معنی بانگ آوردن است، و در اینجا به معنی اذان است؛ زیرا در اسلام، ندانی برای نماز، جز اذان نداریم. به این ترتیب، هنگامی که صدای اذان نماز جمعه بلند می شود مردم موظفند کسب و کار را رها کرده به سوی نماز که مهمترین یاد خدا است، بشتابند. البته بر طبق نظر بسیاری از علماء، نماز جمعه در غیبت امام زمان (عج) واجب تخییری است یعنی واجب عینی نیست و می توان بین نماز ظهر و یا نماز جمعه یکی را انتخاب کرد. کسی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد، عرض کرد: یا رسول الله! من بارها آماده حج شده ام اما توفیق نصیبم نشده، فرمود: بر تو باد به نماز جمعه که حج مستمندان است. (اشاره به این که بسیاری از برکات کنگره عظیم اسلامی حج، در اجتماع نماز جمعه وجود دارد). نماز جمعه از نظر اجتماعی و سیاسی، یک کنگره عظیم هفتگی است که، بعد از کنگره سالانه حج، بزرگترین کنگره اسلامی می باشد و به همین دلیل، در روایتی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل شده آمده بود: نماز جمعه، حج کسانی است که قادر به شرکت در مراسم حج نیستند.

در حقیقت اسلام، به سه اجتماع بزرگ اهمیت می دهد: اجتماعات روزانه که در نماز جماعت حاصل می شود. اجتماع هفتگی که در مراسم نماز جمعه است و اجتماع سالانه که در کنار خانه خدا انجام می گیرد. نقش نماز جمعه، در این میان بسیار مهم است، به خصوص این که یکی از برنامه های خطیب در خطبه نماز جمعه، ذکر مسائل مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و به این ترتیب، این اجتماع عظیم و پرشکوه می تواند منشأ برکات زیر شود:

الف) آگاهی بخشیدن به مردم در زمینه معارف اسلامی و رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی.

ب) ایجاد بستگی و انسجام هر چه بیشتر در میان صفوف مسلمین، به گونه ای که دشمنان را به وحشت افکند و پشت آنها را بلرزاند.

ج) تجدید روح دینی و نشاط معنوی برای توده مردم مسلمان.

د) جلب همکاری برای حل مشکلات عمومی.

به همین دلیل، همیشه دشمنان اسلام، از یک نماز جمعه جامع الشرائط که دستوره‌های اسلامی دقیقاً در آن رعایت شود؛ بیم داشته اند. توجه به این نکته که، طبق فقه شیعه در محدوده یک فرسخ در یک فرسخ، بیش از یک نماز جمعه جائز نیست و حتی کسانی که در دو فرسخی (تقریباً 11 کیلومتری) از محل انعقاد نماز جمعه قرار دارند در آن نماز شرکت می کنند، روشن می سازد که، عملاً در هر شهر کوچک یا بزرگ و حومه آن، یک نماز جمعه بیشتر منعقد نخواهد شد، بنابراین اجتماعی چنین، عظیم ترین اجتماع آن منطقه را تشکیل می دهد. [209]

15) «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» [210]

«در حالی که فرمان نیافته بودند جز آنکه خدا را پرستید، و ایمان و عبادت را برای او از هر گونه شرکی خالص کنند، و حق گرا باشند و نماز را بر پا دارند و زکات پردازند؛ و این است آئین استوار و ثابت.» [81]

حُنَفَاء جمع حنیف است که از ماده حنف می باشد و به معنای متمایل شدن و انحراف از دو حالت افراط و تفریط به سوی حد وسط و حالت اعتدال است و خدای متعال اسلام را بدین جهت دین حنیف خوانده که خلق را دستور می دهد به اینکه در تمامی امور حد وسط و

حالت اعتدال را از دست ندهند و از انحراف به سوی تقریط و افراط پرهیزند. جمله «وَيَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ» از باب ذکر خاص بعد از عام، و یا ذکر جزء بعد از کل است، که در مواردی صورت می گیرد که گوینده به آن فرد خاص عنایت بیشتری دارد، در اینجا نیز خدای متعال بعد از ذکر کلی عبادت، نماز و زکات را ذکر کرده است، چون این دو عبادت از ارکان اسلام هستند، یکی توجه به عبادت خاص است به درگاه خدای متعال و دیگری انفاق مال است در راه رضای او. [211]

حقیقت اخلاص تصفیه نمودن عمل است از شائبه غیر خدا، و صافی نمودن سِرّ است از رؤیت غیر حق تعالی در جمیع اعمال صوریّه، لُبّیه، ظاهریّه و باطنیه و کمال آن ترک غیر است مطلقاً و پانهادن بر اِثّیت و اَنانِیّت و غیر و غیرِیّت است یکسره. اگر یکی از حظوظ نفسانیه و شیطانیه در دین باشد خالص نخواهد بود و آنچه خالص نیست حق تعالی اختیار فرموده؛ و آنچه شائبه غیریت و نفسانیت دارد از حدود دین حق خارج است. [212]

سخن پایانی

هر کسی نماز می خواند امین جان و مال و ناموس مردم است، نه کم فروشی می کند و نه گران فروشی، نه غیبت می کند، نه تهمت می زند و نه دشنام می دهد، نه خیانت می کند، نه ظلم می کند و نه زیر بار ظلم و ذلت می رود. هر کس نماز می خواند چهره ای گشاده دارد، مهربان و با محبت است، پرخاشگری نمی کند، دشمنی روا نمی دارد، حق ناشناسی نمی کند. هر کس نماز می خواند شخصیتش آمیزه ای از عطوفت و منطق و استواری است، صادقانه و شجاعانه سخن می گوید، عادلانه می اندیشد.

حال اگر من و شما نماز می خوانیم ولی خدای نکرده، هنوز هم دروغ می گوییم، غیبت می کنیم، کم فروشی و گران فروشی می کنیم، رگه هایی از خودمحوری و خودبینی و فزون طلبی و قدرت طلبی و مقام پرستی وجودمان را گرفته است، با دیگران پرخاش می کنیم و با کبر و نخوت رفتار می کنیم، شخصیت ما برای اعضای خانواده و همکاران و دیگران به گونه ای که انتظار می رود مطلوب نیست، پس دوباره باید نماز بخوانیم؛ اما اگر کسی دروغ نمی گوید و غیبت نمی کند ... ولی نماز هم نمی خواند او صفات برجسته ای از مسلمین را دارد و باید نماز بخواند تا این صفات برجسته و حسنه به کمال برسد. نماز برای اوزینت این فضیلت های اخلاقی خواهد بود. [155]

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

چهارشنبه 25 ذی القعدة 1444

24 خرداد 1402

(دحو الارض)

ص: 104

- (1) آشنایی با نماز، محسن قرائتی، ص 30
- (2) محجة البيضاء، ج 1، ص 301 [این کتاب به زبان عربی و اثر ملا محسن فیض کاشانی می باشد که ترجمه فارسی آن در قالب کتابی با نام راه روشن منتشر شده است.]
- (3) راز نماز، محسن قرائتی، ص 4
- (4) راز نماز، محسن قرائتی، ص 42
- (5) تفسیر نماز، محسن قرائتی، ص 28
- (6) تفسیر نماز، محسن قرائتی، ص 36
- (7) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 90 و 91
- (8) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 2، ص 595
- (9) پیوندهای نماز، محسن قرائتی، ص 5
- (10) راه های تکمیل نماز، ابراهیم کفیل، ص 22 [اصل حدیث در کتاب شریف کافی اثر شیخ کلینی، ج 3، ص 264 می باشد.]
- (11) نهج البلاغه، ص 316، آئین پرواز: گفتارهایی درباره نماز، مجید فیاضی، ص 51 و 52
- (12) تفسیر نماز، محسن قرائتی، ص 40
- (13) شیوه های دعوت به نماز، محسن قرائتی، ص 150
- (14) نماز در ادیان، ابوالقاسم جعفری، ص 14 و 15
- (15) تاج العروس من جواهر القاموس، زبیدی، ج 19، ص 608 و 609

16) مفتاح: درسنامه عمومی معارف نماز، کاری از مرکز تخصصی نماز ستاد اقامه نماز ص 17 و 18

17) نماز در ادیان، ابوالقاسم جعفری، ص 15 و 16

18) واژه «صلاة» در زبان های سامی، وصال میمندی - شکوفه شریفی فر، فصلنامه پژوهش های زبان شناختی قرآن - 1396

19) آیه 64 سوره نحل

20) قرآن حکیم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات اسوه - 1388

21) تفسیر المیزان، ج 12، ص 256

22) معناشناسی صلوة در قرآن، امیررضا شرقی - الهام فردوسی - سامانه نشریات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) - 1389

23) آیه 56 سوره نور

24) آیه 41 سوره نور

25) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 21

26) تفسیر نمونه، ذیل آیه 41 سوره نور

27) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 6، ص 195 و 196

28) آیه 43 سوره بقره

29) تفسیر نمونه ذیل آیه 43 سوره بقره

30) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 1، ص 104

31) نهج البلاغه، نامه ها، 47

32) تفسیر نمونه، ذیل آیه 45 عنکبوت، جلد 16

33) تفسیر مجمع البیان، ج 8، ص 285

ص: 106

- 34) نماز و تربیت (مجموعه مقالات برگزیده اجلاس های سراسری نماز)، روح تقلید و دنباله روی در دوران کودکی، آیت الله سبحانی ص 67 (با تغییراتی در ابتدای متن) - 1389
- 35) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 37
- 36) آیه 14 سوره طه
- 37) برگرفته از تفسیر نمونه، ذیل آیات 238 و 239 بقره
- 38) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 7، ص 279
- 39) کافی، ج 2، باب ذکر الله
- 40) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 36
- 41) آیه 41 سوره احزاب
- 42) تفسیر نمونه ذیل آیات 41 و 42 احزاب
- 43) آیه 152 سوره بقره
- 44) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 1، ص 233 و 234
- 45) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 69
- 46) 110 پرسش درباره نماز، گردآورنده واحد پاسخگویی به سوالات نماز؛ زیر نظر مجتبی کلباسی ص 20
- 47) آیه 31 سوره مریم
- 48) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 29
- 49) تفسیر نمونه ذیل آیه 102 و 103 سوره نساء
- 50) برگرفته از تفسیر نمونه ذیل آیه 14 طه
- ص: 107

51) آیه 114 سوره هود

52) تفسیر المیزان، ج 11، ص 69

53) شرح ابن ابی الحدید، ج 10، ص 206

54) نهج البلاغه، حکمت 299

55) تفسیر مجمع البیان وایضاً تفسیر نمونه ذیل آیه 114 سوره هود و ایضاً مستدرک، ج 3، ص 12، حدیث 2892

56) تفسیر مجمع البیان و تفسیر نمونه ذیل آیه 114 سوره هود

57) بحار الانوار (ط - بیروت)، ج 47، ص 2

58) من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج 1، باب 30، ح 5

59) آشنایی با نماز، محسن قرائتی، ص 29

60) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز محسن قرائتی، ص 34

61) آیه 124 سوره طه

62) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 54 و 55

63) آیات 1 و 2 سوره مؤمنون

64) تفسیر نمونه ذیل آیات 1 و 2 سوره مؤمنون

65) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 6، ص 80

66) عبادت و نماز، جواد محدثی، ص 32

67) آشنایی با نماز، محسن قرائتی، ص 59

68) تفسیر صافی، تفسیر مجمع البیان و تفسیر نمونه ذیل آیه 2 سوره مؤمنون

69) وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 7، ص 288

70) چگونه حضور قلب در نماز پیدا کنیم؟ ع، حیدری، ص 17، انتشارات ارم، قم

71) پیوندهای نماز، محسن قرائتی، ص 87، 126، 130

73) آیه 103 سوره نساء

72) آیه 9 سوره مؤمنون [شبیه این آیه با اندکی تفاوت در آیه 34 سوره معارج نیز آمده است.]

73) آیه 103 سوره نساء

74) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 2، ص 149

75) وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 4، ص 113

76) کافی، شیخ کلینی، ج 3، ص 274

77) خصال، شیخ صدوق، ج 1، ص 103، ایضاً وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 4، ص 112

78) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 24

79) آیه 238 سوره بقره

80) نماز و تربیت (مجموعه مقالات برگزیده اجلاس های سراسری نماز) چگونه فرزندان خود را نماز خوان تربیت کنیم؟، آیت الله ابراهیم امینی، ص 36، 37، 39 با تغییرات در متن)، ناشر: موسسه فرهنگی - انتشاراتی ستاد اقامه نماز - چاپ بیستم - زمستان 1389

81) نرم افزار حبل المتین، [کاری از مؤسسه همراه نور www.mth-co.ir، ویرایش 8، تولید 1/ 30 / 1399، 36067323 - 051]

82) پیام قرآن، ج 6، ص 224

83) اطیب البیان، ج 2، ص 485 [نام دقیق این تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن اثر سید عبدالحسین طیب می باشد. به گفته ایشان حضرت مهدی (عج) در خواب ایشان را امر به نگارش تفسیر قرآن می نماید.]

ص: 109

(84) تفسیر المیزان، ج 2، ص 264

(85) نهج البلاغه، نامه 27

(86) نهج البلاغه، خطبه 190

(87) تفسیر نمونه، ذیل آیات 22 و 23 سوره معارج

(88) برگرفته از تفسیر نمونه، ذیل آیه 24 سوره معارج

(89) تفسیر نمونه ذیل آیه 9 سوره مؤمنون

(90) آیه 92 سوره انعام

(91) تفسیر المنار، ج 7، ص 621 برگرفته از تفسیر نمونه [تفسیر القرآن العظیم معروف به تفسیر المنار می باشد. این تفسیر از ابتدای قرآن تا آیه 126 سوره نساء را شیخ محمد عبده از شاگردان و هم فکran سید جمال الدین اسد آبادی و اهل کشور مصر انشاء کرده و سید رشید رضا از شاگردان محمد عبده و زاده لبنان آن را نگاشته است. بعد از شیخ محمد عبده، رشید رضا این تفسیر را تا آیه 53 سوره یوسف ادامه می دهد و در 12 جلد ناتمام می ماند.]

(92) تفسیر نمونه، ج 5، ذیل آیه 92 سوره انعام

(93) آیه 59 سوره مریم (ع)

(94) تفسیر نور، محسن قرائتی، ص 288 و 290

(95) تفسیر مجمع البیان، ج 2، ص 802 [نام دقیق این اثر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، اثر شیخ طبرسی می باشد.]

(96) کافی، شیخ کلینی، ج 3 ص 264

(97) آیات 4 و 5 سوره ماعون

(98) تفسیر نمونه، ذیل آیات 4 و 5 سوره ماعون

(99) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 10، ص 603

(100) وسائل الشیعه، ج 4، ص 114

ص: 110

(101) آیه 45 سوره بقره

(102) آیه 153 سوره بقره

(103) تفسیر نمونه ذیل آیه 45 سوره بقره

(104) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 1، ص 107 و 108

(105) تفسیر نمونه ذیل آیه 153 سوره بقره

(106) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 1، ص 235

(107) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 59 و 42

(108) پیوندهای نماز، محسن قرائتی، ص 135

(109) آیه 29 اعراف

(110) فرهنگ عمید

(111) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 3، ص 49

(112) تفسیر نمونه ذیل آیات 17 و 18 توبه

(113) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 3، ص 362

(114) برگرفته از تفسیر نمونه، ذیل آیه 29 اعراف

(115) تفسیر معین، ص 573 [نام کامل این تفسیر، التفسیر المعین للواعظین و المتعظین تألیف شیخ محمد هویدی بغدادی زاده عراق می باشد که در یک جلد و در حاشیه قرآن کریم و به زبان عربی نگاشته شده است.]

(116) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 2، ص 146 و 147

(117) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 77، 78

(118) قطره با دریا: آثار تربیتی فردی و اجتماعی نماز جماعت، سلمان حبیبی، ص 19

ص: 111

(119) راز نماز، محسن قرائتی، ص 92 تا 94

(120) زنگ نماز، احمد زرهانی، ص 8

(121) قاموس قرآن، ج 2، ص 115 [اثر سید علی اکبر قرشی می باشد که اصل و ریشه و توضیحات کلمات قرآنی در آن بررسی شده اند.]

(122) راز نماز، محسن قرائتی، ص 95

(123) پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی، ص 218

(124) فرهنگ نامه نماز جماعت، محمد محمدی ری شهری، ص 24

(125) مکارم الاخلاق، ج 2، ص 363 الی 374، ح 2661 [این کتاب اثر حسن بن فضل طبرسی و به زبان عربی و از معروف ترین کتاب ها در زمینه اخلاق اسلامی است.]

(126) مسجد و جوانان، محمد رضا عبد الامیر، ص 49

(127) مسجد و جوان/ فروغ مسجد 10، جمعی از محققین و پژوهشگران، ناشر: مرکز رسیدگی به امور مساجد ص 313 و 314

(128) تفسیر نمونه، ذیل آیه 96 آل عمران

(129) ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص 30

(130) من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج 2، ص 572

(131) ترجمه آیه 1 سوره اسراء (برگرفته از تفسیر نمونه)

(132) تفسیر المیزان، ج 9، ص 405

(133) بحار الانوار، ح 100، ص 394، ج 27

(134) الأمالی، شیخ طوسی، ص 369

(135) تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج 2 ص 38، ح 776

ص: 112

136) المعجم الكبير، ج 11، ص 358، ح 12283 [این کتاب اثر طبرانی از علمای اهل سنت می باشد و چون احادیث بر اساس ترتیب نام راویان چیده مان شده است نام معجم به خود گرفته است.]

137) کافی، شیخ کلینی، ج 4، ص 567، ح 3

138) تاریخ المدینة المنورة، ج 1، ص 69

139) كشف الغمه، ج 3، ص 36

140) تاریخ مسجد جامع قم، رضا آقابابایی، آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، 1383 ص 16 و 25

141) آیه 41 حج

142) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 28

143) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 6، ص 51 و 52

144) تفسیر المیزان، ذیل آیه 41 حج

145) آیه 132 طه

146) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 5، ص 412 و 413

147) آیه 6 تحریم

148) تفسیر نمونه ذیل آیه 6 تحریم

149) تفسیر المیزان، ذیل آیه 6 تحریم

150) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 10، ص 128 و 129

151) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 5، ص 283

152) نماز در دوران کودکی، دکتر علی قائمی، مقاله برگزیده اجلاس های سراسری نماز، دکتر علی قائمی دارای مدرک دکتری جامعه شناسی مذهبی و دکتری علوم تربیتی و مدرس حوزه و دانشگاه می باشد.

153) وظیفه خانواده ها در ارتباط با اقامه نماز، حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر حسینی، مقاله برگزیده اجلاس های سراسری نماز

154) نقش خانه و مسجد و مدرسه در ظهور و تقویت رفتارهای مذهبی، دکتر غلامعلی افروز، مقاله برگزیده اجلاس های سراسری نماز، دکتر غلامعلی افروز دارای دکترای روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی و یکی از برگزیدگان چهارمین دوره جایزه علمی علامه طباطبایی بنیاد ملی نخبگان در سال 1393 می باشند.

155) مبانی روان شناختی و تربیتی نماز، دکتر غلامعلی افروز، مقاله برگزیده اجلاس های سراسری نماز

156) نگرش و رفتار دینی دانش آموزان را چگونه تقویت کنیم؟ دکتر علی قائمی، مقاله برگزیده اجلاس های سراسری نماز

157) آیه 3 بقره

158) ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج 1، ص 20، مولف شیخ طبرسی و مترجم احمد امیری شادمهری چاپ آستان قدس رضوی، چاپ سوم، 1383

159) تفسیر کشاف، زمخشری، ترجمه مسعود انصاری، ص 58

160) پیام قرآن، ج 4، ص 307

161) اطیب البیان، ج 1، ص 210

162) آیه 110 بقره

163) تفسیر نمونه، ذیل آیه 3 بقره

164) تفسیر نمونه، ذیل آیه 110 بقره

165) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 1، ص 181

166) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 1، ص 432

ص: 114

167) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 1، ص 428

168) آیه 277 بقره

169) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 1، ص 441

170) آیه 162 نساء

171) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 2، ص 210

172) آیه 72 انعام

173) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 2، ص 488

174) آیه 170 اعراف

175) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 3، ص 213 و 214

176) یکصد و چهارده [114] نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص 82

177) آیه 3 انفال

178) تفسیر نمونه ذیل آیه 3 انفال

179) تفسیر المیزان ذیل آیه 3 انفال

180) آیه 31 ابراهیم (ع)

181) تفسیر نمونه ذیل آیه 31 ابراهیم (ع)

182) تفسیر هدایت، سید محمد تقی مدرسی، مترجم دکتر جعفر شعار، ج 5، ص 270

183) آیه 78 اسراء

184) تفسیر روشن، علامه مصطفوی، ج 13، ص 229

185) تفسیر هدایت، سید محمد تقی مدرسی، ترجمه احمد آرام، ج 6، ص 283

186) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 5، ص 104

187) تفسیر ادبی قرآن، مهدی اسلامی پناه (یزدی)، ج 6، ص 538

(188) آیه 40 ابراهیم (ع)

(189) تفسیر هدایت، سید محمد تقی مدرسی، ترجمه دکتر جعفر شعار، ج 5، ص 344

(190) تفسیر احسن الحدیث، آیت الله سید علی اکبر قرشی، ج 5، ص 321، ناشر: نوید اسلام قم.

(191) تفسیر کشاف، زمخشری، ترجمه مسعود انصاری، ج 2، ص 717

(192) تفسیر نفحات الرحمن، آیت الله شیخ محمد نهاوندی، ج 3، ص 95

(193) تفسیر نور محسن قرائتی، ج 4، ص 425

(194) آیه 37 نور

(195) تغییر نور محسن قرائتی، ج 6، ص 191 و 192

(196) تفسیر نفحات الرحمن، آیت الله شیخ محمد نهاوندی، ج 3 ص 739 به نقل از تفسیر الطبری، ج 9، ص 331 - 332 و تفسیر الدر المنثور، ج 5، ص 52

(197) آیه 3 نمل

(198) تفسیر احسن الحدیث، آیت الله سید علی اکبر قرشی، ج 7، ص 429

(199) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 6، ص 389 و 390

(200) آیه 31 روم

(201) تفسیر ادبی قرآن، مهدی اسلامی پناه (یزدی)، ج 8، ص 289

(202) تفسیر نمونه، ذیل آیه 31 روم

(203) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 7، ص 199

(204) آیه 9 جمعه

ص: 116

(205) ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج 6، ترجمه عبدالعلی صاحبی، ص 320

(206) تفسیر کشاف زمخشری، ترجمه مسعود انصاری، ج 4، ص 652

(207) اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، ج 13، ص 13

(208) تفسیر نور، محسن قرائتی، ج 10، ص 37 و 38

(209) تفسیر نمونه، ذیل آیه 9 جمعه

(210) آیه 5 بینة

(211) تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج 20، ص 781

(212) تفسیر قرآن مجید، برگرفته از آثار امام خمینی (ره)، ج 5، سید محمد علی ایازی، ص 517، ناشر عروج

ص: 117

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتال و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهل بیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی
خاتمیه اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

